

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وزارت جهاد کشاورزی
سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی
مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور

ارزیابی نحوه مدیریت مراتع عشایری بر اساس پروانه‌های چرا

نگارنده:

علی محبی

عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور

عنوان طرح منتج به نشریه فنی	کد مصوب
ارزیابی نحوه مدیریت مراتع عشایری براساس پروانه‌های چرا	۲-۰۹-۰۹-۱۰۰-۹۶۰۸۰۵



عنوان نشریه فنی: ارزیابی نحوه مدیریت مراتع عشایری براساس پروانه‌های چرا نگارش:

علی محبی - استادیار پژوهش، مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران
تهیه شده در: مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، اداره ترویج و انتقال یافته‌های تحقیقاتی، بخش تحقیقات مرتع

مدیر داخلی: فاطمه عباسپور

ویراستار ادبی: مریم معصوم تمیمی

صفحه آرا: مریم نوبخت

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳

شمارگان: الکترونیکی

نشانی: بزرگراه تهران-کرج، خروجی پیکانشهر، شهرک سرو آزاد، خیابان شهید علی گودرزی، بلوار باغ گیاه‌شناسی ملی ایران، مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور

صندوق پستی: ۱۱۶-۱۳۱۸۵ تلفن: ۵-۴۴۷۸۷۲۸۲-۰۲۱ وبسایت: www.rifr-ac.ir

این نشریه به شماره ۶۶۵۰۸ در تاریخ ۱۴۰۳/۱۰/۰۱ در مرکز اطلاعات و مدارک علمی کشاورزی به ثبت رسیده است.

ISBN : 978-964-473-574-5



9 789644 735745

➤ **هدف:**

ارزیابی کارایی پروانه‌های چرای دام در مدیریت مراتع عشایری است.

➤ **مخاطبان نشریه:**

محققان، مدیران و کارشناسان سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، مراکز

آموزشی و عشایر

فهرست

۵.....	چکیده
۶.....	مقدمه
۸.....	مشخصات محل‌های اجرای طرح
۹.....	مراحل انجام تحقیق
۱۴.....	تحلیل داده‌ها
۱۵.....	نتایج
۱۵.....	کدگذاری باز
۲۳.....	کدگذاری محوری
۲۳.....	کدگذاری انتخابی
۳۶.....	مقوله مرکزی (پدیده هسته‌ای)
۳۵.....	شرایط علی مربوط به پدیده مرکزی «ضرورت اجرای دقیق و جدی قوانین»
۳۸.....	پدیده ناشی از شرایط علی
۳۸.....	شرایط مداخله گر مؤثر بر راهبردها
۳۹.....	راهبردهای مربوط به پدیده «ضرورت اجرای دقیق و جدی قوانین»
۳۹.....	پیامدهای به‌کارگیری راهبردها
۴۰.....	نتایج ارزیابی کمی
۴۹.....	نتیجه‌گیری
۴۹.....	مقولات پیشنهادی (توصیه‌های فنی)
۵۰.....	منابع

چکیده

مدیریت مرتع براساس پروانه‌های چرا از سال ۱۳۲۰ شروع شد، دریافت پروانه توسط بهره‌برداران ذی‌حق نیز بعد از ملی‌شدن جنگل‌ها و مراتع کشور، با مصوبه‌ای از سوی هیئت‌وزیران، الزامی شد. به نظر می‌رسد صدور پروانه‌ها در بهبود وضعیت مراتع چندان مؤثر نبوده است، بنابراین، بر آن شدیم تا با هدف ارزیابی مسئله، راهکارها را از زبان خود دامداران عشایری بشنویم و ضمن تحلیل آن با رویکرد کیفی گزارش کنیم. با این هدف، تجربیات عشایر منتخب استان‌های چهارمحال و بختیاری، خوزستان، تهران و اردبیل پیرامون موضوع با استفاده از تکنیک‌های «تحلیل محتوا» (Content analyse) و «نظریه بنیانی» (Grounded Theory)، روش نمونه‌گیری «هدفمند» و شیوه مصاحبه «نیمه‌ساختاریافته»، ثبت و ضبط شد.

نتیجه حاصل از انجام تحلیل محتوا، دریافت ۵۱۵ مفهوم تکراری از سوی پاسخگویان بود که در تعیین مقولات استفاده شدند. همچنین، طی سه رویه کدگذاری باز، محوری و انتخابی شیوه نظریه بنیانی، یافته‌های تحقیق شامل ۳۰۲۰ مفهوم، ۱۴۶ مقوله فرعی، ۶ مقوله اصلی و ۱ مقوله مرکزی شد.

۶ مقوله اصلی این پژوهش عبارتند از: «مدیریت چرا و راهکار بهبود مراتع»، «ضرورت اجرای دقیق و جدی قوانین»، «تعداد دام قیدشده در پروانه چرا باید اقتصادی شود»، «شهرنشین پروانه‌دار، دامدار بدون پروانه»، «پروانه چرا در ایجاد تعادل دام و مرتع موفق عمل نکرده است» و «عشایر حافظ، دولت حامی».

مقوله مرکزی تحقیق نیز «ضرورت اجرای دقیق و جدی قوانین» بود، سپس، مدل پارادایمی مربوطه ترسیم شد. نتایج مطالعات کمی انجام‌شده نیز مؤید نارضایتی اکثریت عشایر مناطق مورد مطالعه از ظرفیت پروانه‌های چرا در مدیریت بهینه مراتع و ضرورت اجرای قوانین بود.

۲ / ارزیابی نحوه مدیریت مراتع عشایری براساس پروانه‌های چرا

با تدقیق در مدل، به نظر می‌رسد، راهبرد اجرای دقیق و جدی قوانین به شرط وجود امکانات، قادر است، تا حدود زیادی مشکل دام‌مازاد و غیرمجاز مراتع را حل کند. درغیراین‌صورت کمک گرفتن و حمایت از خود‌ذی‌حقان مراتع در کنترل دام‌مازاد غیرخودی (برون‌گروهی) و نظارت بر کنترل ورود دام غیرمجاز خودی (درون‌گروهی) از طریق دولت پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: پروانه چرا، مدیریت مراتع، بهره‌برداران عشایری

مقدمه

براساس آمار سال ۱۴۰۰ مرکز آمار، تعداد ۱،۱۱۵،۰۴۱ نفر جمعیت عشایری در قالب ۲۱۲،۷۷۲ خانوار، ۱۰۴ ایل، ۵۵۲ طایفه مستقل و ۱۹۸۴۰ کوچک‌ترین رده ایلی در ۳۰ استان کشور به شیوه الگوی زیست عشایری شبانی زندگی می‌کنند. این جمعیت، در ۸ ناحیه روستایی در شمال، شمال غرب، شمال شرق، غرب، جنوب غرب، جنوب شرق، مرکز و شرق پراکنده شده‌اند و قلمروی آنان شامل عرصه‌ای بیش از ۶۰ درصد از فضای جغرافیایی کشور می‌شود.

بررسی روند رشد جمعیت عشایر کشور طی چند دهه گذشته نشان‌دهنده کاهش نسبت جمعیت عشایر کشور در مقایسه با جمعیت کل کشور است، به‌طوری‌که این نسبت در سال ۱۴۰۰ به ۱/۴ درصد جمعیت کل کشور رسیده است. دام، ثروت، سرمایه و منبع اصلی درآمد عشایر محسوب می‌شود. در سال ۱۳۸۷، سرمایه دامی عشایر کوچنده بیش از ۲۴ میلیون واحد دامی است که شامل حدود ۲۹ درصد دام سبک می‌شود.

دام‌های کوچک، بخش عمده دام‌های عشایر (۸۶/۴ درصد) را تشکیل می‌دهند که حدود ۷۰ درصد تعلیف آنها وابسته به مرتع است. عشایر، سالانه حدود ۹ میلیون واحد دامی مازاد بر نیاز وارد بازار می‌کنند که بیش از ۱۶۲۰۰۰ تن (۲۰ درصد تولید گوشت قرمز کشور) است. علاوه‌برآن، تولید ۴۰۰ هزار تن شیر و ۱۴ هزار تن پشم، بخشی دیگر از تولیدات دامی عشایر است.

با مقایسه سه سرشماری انجام‌شده در سال‌های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷، سالانه به‌طور متوسط تعداد دام قابل‌عرضه ۲/۲ درصد، تولید گوشت ۲/۹۵ درصد، میزان اراضی آبی ۶/۹ درصد، باغات ۱۵ درصد و میزان کل تولیدات، ۴ درصد رشد داشته است. رشد کل، طی سال‌های اخیر از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۱ سالانه بیش از ۷ درصد بوده است (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۹۶).

وابستگی تولیدات عشایری به مراتع، مدیریت بهینه این عرصه‌ها را برای تداوم تولید ضروری می‌کند.

شیوه مدیریت کنونی، اعمال قانون براساس پروانه‌های چرا، یا اجرای طرح‌های مرتع‌داری است. مدیریت مرتع براساس پروانه‌های چرا با توجه به برخی مدارک موجود از سال ۱۳۲۰ شروع شده است، پس از ملی‌شدن مراتع، با تصویب و ابلاغ دستورالعمل‌های مختلفی با مختصر تغییراتی در آنها برای ممیزی و تنسيق مراتع و صدور پروانه‌های چرا به نام مرتع‌داران ذی‌حق، دستورالعمل‌های قبلی باطل و از درجه اعتبار ساقط شدند.

آخرین آنها، دستورالعمل ابلاغی در تاریخ ۹۹/۵/۱۱ است که در پنج فصل و ۳۸ صفحه تنظیم و برای اجرا به استان‌ها ابلاغ شد (دفتر امور مراتع، ۱۳۹۹). این مجوز به‌خصوص در مراتع فاقد طرح مرتع‌داری، مبنای مدیریت صحیح این مراتع محسوب می‌شود. طبق بررسی‌های انجام‌شده در چهارچوب پروژه ملی «بررسی وضعیت مدیریت کوچ و مرتع و امکان‌سنجی واگذاری آن به تشکل‌های عشایری» (محبی و همکاران، ۱۳۹۷) و مشاهده‌های کارشناسی، باوجود صدور و تحویل پروانه‌های چرا به مرتع‌داران ذی‌صلاح، وضعیت این اراضی حداقل در استان‌های موردبررسی، از لحاظ کمی و کیفی بهبود چندانی نداشته است.

بنابراین سؤال این است، آیا مدیریت مراتع عشایری براساس پروانه‌های چرا اثربخش بوده است؟ فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

- ✓ پروانه‌های چرا در حفظ کمیت و کیفیت مراتع عشایری کشور اثربخش نبوده‌اند.
- ✓ پروانه‌های چرا دارای اشکالات علمی هستند.
- ✓ تعداد دام و تقویم ورود و خروج دام، که در پروانه‌ها قید شده است، از سوی مرتع‌داران رعایت نمی‌شود.

ارزیابی نحوه مدیریت مراتع عشایری براساس پروانه‌های چرا / ۵

بنابراین، بر آن شدیم تا با هدف ارزیابی نحوه مدیریت مراتع عشایری براساس پروانه‌های چرا، صحت و سقم این قضایا را از دیدگاه بهره‌برداران، به طریق کیفی جويا شویم و راهکارهای پیشنهادی را نیز از زبان خود آنان، که بهره‌بردار مستقیم این منابع هستند و تجربه زیستی بسیار مفیدی در این زمینه دارند، گزارش کنیم.

انتظار می‌رود نتایج این تحقیق بتواند در تصمیم‌گیری‌های کلان مدیریتی مؤثر واقع شود. اهمیت اقتصادی این پژوهش در این است که با شناخت و معرفی گره‌های مدیریتی مراتع کشور، براساس پروانه چرا و حل آنها، بسیاری از مسائل معیشتی و تولید فراورده‌های دامی کشور حل‌وفصل و از نظر اجتماعی نیز جلوی بسیاری از اختلافات اجتماعی گرفته شود.

مشخصات محل‌های اجرای طرح

مشخصات محل‌های اجرای طرح به شرح زیر است (جدول ۱).

جدول ۱- مشخصات زیست‌بوم‌های عشایری مورد مطالعه

استان	نوع مرتع	سامان‌های عرفی	سامانه‌ها	مساحت (هکتار)	قطب مخالف	طایفه	تیره	تعداد خانوار	جمعیت (نفر)
اردبیل	قشلاقی	جلیلو	قدیر، حاج‌سرخان، ناماز، حاجی‌حسن	۸۵۰	مراتع سبلان	مغانلو	آل قلی و محمد علی‌لو	۱۰۳	۴۳۲
		چوخلو قویی	تره‌چی، حاجی‌اکبر، حسن اختری، مازان و حاج‌خداش	۲۰۳۸				۱۴۷	۵۹۵
چهارمحال و بختیاری	بیلاقی	چشمه‌دیمه		۱۴۷۳/۰۶	سرگج بیسیم مسجدسلیمان	حموله	تیره داوود محمدی، تیزگرد، اردشیر و غریب و شیخ	۲۳۶	۱۱۸۰
		آبکاسه		۴۰۹۴/۲۴					
		تیشتردون		۱۷۱/۴۵					
خوزستان	قشلاقی	سرگج بیسیم مسجدسلیمان		۳۷۵۲/۶۰۲	دشت لاله واژگون			۳۲	۸۸
تهران	بیلاقی	چهل‌بره		۱۹۱۵	توچال پاکدشت		هداوند	۲۵	۸۳
		دهنه‌سنگ		۴۶۵				۱۰	۵۵
		کمردشت وسط		۵۰۰				۱۱	۵۳
		مرغسر- یورد قیدر		۵۰۰				۲۵	۱۰۵
جمع				۱۵۷۵۲/۳۵۲				۵۸۹	۲۵۹۱

خلاصه اطلاعات اقلیمی مناطق مورد مطالعه

داده‌های هواشناسی نزدیک‌ترین ایستگاه‌ها به مناطق تحقیق، یعنی مراتع ییلاقی دشت لاله واژگون نشان داد، اقلیم آنجا بسیار مرطوب و فراسرد و متوسط بارش در آن ۱۳۵۹/۱ میلی‌متر است. برای استان‌های خوزستان، تهران و اردبیل نیز اقلیم و متوسط بارش مناطق به‌ترتیب نیمه‌خشک گرم و ۴۲۴/۳۴ میلی‌متر، نیمه‌مرطوب و ۴۴۵ میلی‌متر و نیمه‌استپی معتدل و ۲۶۰ میلی‌متر است (محبی و همکاران، ۱۳۹۸).

مراحل انجام تحقیق

این تحقیق از دیدگاه تفسیرگرایی، به طریق کیفی و با استفاده از تکنیک Grounded Theory یا «نظریه بنیانی» و طی فرایندهای قیدشده در جدول ۲ انجام شد.

جدول ۲- مراحل انجام رویکرد کیفی تحقیق

شرح عملیات	مراحل انجام تحقیق کیفی
در این تکنیک روش نمونه‌گیری از نوع «هدفمند و نظری» است. بدین ترتیب که تعداد نمونه‌ها بر عکس شیوه کمی از قبل تعیین شده نیستند، بلکه تعداد نمونه‌ها پس از اتمام جمع‌آوری داده مشخص شد (Corbn & Staus, 1990؛ Coyne & Cowley, 2006). بدین ترتیب که، ابتدا در هر استان به اولین بهره‌بردار عشایری، که خود در خصوص پروانه‌های چرا دارای تجربه زیستی بود، مراجعه نموده و مصاحبه خود را به شیوه مصاحبه «نیمه‌ساختاریافته» با طرح سؤالاتی باز پیرامون موضوع تحقیق از قبیل: - آیا از پروانه چرا رضایت دارید؟ - آیا موافق اجاره‌دهی پروانه‌های چرا هستید؟ - آیا شما تاریخ ورود و خروج قیدشده در پروانه‌ها را رعایت می‌کنید؟ - به نظر شما چگونه می‌توان مشکلات ورثه‌ای پروانه‌های چرا را حل کرد؟ و ... شروع کرده و با رضایت کنشگر تمام موارد مصاحبه ثبت و ضبط شد.	(۱) روش نمونه‌گیری
سپس موارد مصاحبه روی کاغذ پیاده شد و ضمن «کدگذاری باز» مفاهیم مهم مشخص شدند. محقق، مفاهیم را بررسی کرد تا در صورت نیاز، به سؤالات موجود، سؤالات جدید حاصل از مصاحبه اول را اضافه کند.	(۲) کدگذاری باز
پس از آن سراغ مصاحبه‌شونده دوم رفته و به همین منوال، مصاحبه را تا زمانی ادامه دادیم که به مرحله «اشباع نظری» (Data Saturation) برسیم این مرحله زمانی بود که با ادامه روند مصاحبه، مطالب جدیدی حاصل نشد (حریری، ۱۳۸۵). مرحله اشباع نظری در این تحقیق، با ۳۰ پاسخگو حاصل شده و نمونه‌برداری پایان یافت.	(۳) حجم نمونه

مرحله بعدی، «کدگذاری محوری» بود که طی این فرایند مقوله‌های اصلی و فرعی بسط یافتند (Straus and Corbin, 1990). مشخص نمودن «مقولات» (مفاهیم عام که شامل تعدادی مفهوم هم‌خانواده و مشابه می‌شود)، (ازکیا، ۱۳۹۵) مفاهیم اصلی، برقراری ارتباط بین مقولات و درنهایت ترسیم مدل پارادایمی موضوع تحقیق، طی روند کدگذاری «محوری» تحقق یافت و علل پدیده، زمینه‌ها، موانع، راهبردها و اثرات اعمال راهکارها در قالب این مدل ارائه شد.	(۴) کدگذاری محوری
گام بعدی کدگذاری گزینشی (انتخابی) بود که طی آن «مقوله هسته‌ای یا محوری انتخاب شده و ارتباط منظم آن با سایر مقوله‌ها و افزایش اعتبار این روابط با جستجوی موارد تصدیق یا تکذیب انجام شد. به اعتقاد Straus و Corbin (۱۹۹۰) در این وضعیت، مقوله اصلی یا طبقه ثقل همانند خورشیدی است که روابط منظمی با سیاراتش دارد. این مقولات بیشترین قدرت تبیین را دارند و باید تا حد امکان کاملاً اشباع شوند. در این مرحله، روایت توصیفی از پدیده مرکزی بیان شد که به آن «داستان» گفته می‌شود. این داستان در ادامه در خصوص پدیده مرکزی مفهوم‌سازی شد که «شرح داستان» نام دارد. سپس همانند کدگذاری باز و محوری، پدیده اصلی به‌عنوان یک مقوله، به‌تدریج به سایر مقوله‌ها مرتبط شد.	(۵) کدگذاری انتخابی (گزینشی)
در انتها پارادایم نهایی، که در آن ارتباط مقوله هسته‌ای با سایر مقولات نشان داده شده است، ترسیم شد و «داستان» مربوطه با توجه به مقوله هسته‌ای بیان شد. یافته‌های تحقیق می‌توانند زمینه انجام تحقیقات قیاسی بعدی در این خصوص باشند (ازکیا و ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۰).	(۶) ترسیم مدل پارادایمی نهایی

ادامه جدول ۲- کد و مشخصات زمینه‌ای مصاحبه‌شوندگان (عشایر دامدار دارای پروانه چرا)

کد	نام و نام خانوادگی	سن	استان	شهرستان	ایل و طایفه	بیلاق	قشلاق
۱	نورعلی شیرکوند	۵۸	تهران	پاکدشت	هداوند	مراتع لار	توچال پاکدشت
۲	ایرج قنبری	۶۳	تهران	پاکدشت	هداوند	مراتع لار	توچال پاکدشت
۳	حاج‌قنبر قنبری	۷۰	تهران	پاکدشت	هداوند	مراتع لار	توچال پاکدشت
۴	علی‌اعظم مرتضی‌قلی	۵۹	تهران	پاکدشت	هداوند	مراتع لار	توچال پاکدشت
۵	حاج‌خداش مهدوی	۷۲	اردبیل	پارس‌آباد	شاهسون	سبلان	حاج‌خداش
۶	مصطفی مرادی	۳۵	تهران	پاکدشت	هداوند	مراتع لار	توچال پاکدشت
۷	اصغر سیری	۶۲	تهران	پاکدشت	هداوند	مراتع لار	توچال پاکدشت
۸	علی‌نقی محمدی	۵۴	چهارمحال و بختیاری و خوزستان	کوه‌رنگ و مسجدسلیمان	حموله	دشت لاله واژگون	سرگج بیسیم مسجدسلیمان
۹	علی‌محمد عسگری	۵۹	چهارمحال و بختیاری و خوزستان	کوه‌رنگ و مسجدسلیمان	حموله	دشت لاله واژگون	سرگج بیسیم مسجدسلیمان
۱۰	غفار خسروی	۶۰	چهارمحال و بختیاری و خوزستان	کوه‌رنگ و مسجدسلیمان	حموله	دشت لاله واژگون	سرگج بیسیم مسجدسلیمان
۱۱	حمیدرضا مرادی	۴۹	چهارمحال و بختیاری و خوزستان	کوه‌رنگ و مسجدسلیمان	حموله	دشت لاله واژگون	سرگج بیسیم مسجدسلیمان
۱۲	حمید اردشیری	۴۹	چهارمحال و بختیاری و خوزستان	کوه‌رنگ و مسجدسلیمان	حموله	دشت لاله واژگون	سرگج بیسیم مسجدسلیمان
۱۳	موسی محمدی	۵۰	تهران	پاکدشت	هداوند	مراتع لار	توچال پاکدشت
۱۴	اصغر سیری	۶۴	تهران	پاکدشت	هداوند	مراتع لار	توچال پاکدشت

ارزیابی نحوه مدیریت مراتع عشایری براساس پروانه‌های چرا / ۱۱

۱۵	حاج علی جعفری	۷۰	تهران	پاکدشت	هداوند	مراتع لار	توچال پاکدشت
۱۶	حاجی آقا قلی سیری	۶۵	تهران	پاکدشت	هداوند	مراتع لار	توچال پاکدشت
۱۷	داریوش اردشیری	۴۳	چهارمحال و بختیاری و خوزستان	کوه‌رنگ و مسجدسلیمان	حموله	دشت لاله واژگون	سرگچ بیسیم مسجدسلیمان
۱۸	محمد رضایی	۶۶	چهارمحال و بختیاری و خوزستان	کوه‌رنگ و مسجدسلیمان	حموله	دشت لاله واژگون	سرگچ بیسیم مسجدسلیمان
۱۹	ناصر سبحایی	۵۲	اردبیل	پارس‌آباد	شاهسون	سبلان	ناماز
۲۰	ناصر داوودی	۵۶	چهارمحال و بختیاری و خوزستان	کوه‌رنگ و مسجدسلیمان	حموله	دشت لاله واژگون	سرگچ بیسیم مسجدسلیمان
۲۱	رحمان کوهی	۵۴	اردبیل	پارس‌آباد	شاهسون	سبلان	حاجی حسن
۲۲	ابراهیم جنتی	۴۰	چهارمحال و بختیاری و خوزستان	کوه‌رنگ و مسجدسلیمان	حموله	دشت لاله واژگون	سرگچ بیسیم مسجدسلیمان
۲۳	بیوک آقا درخشان	۴۱	اردبیل	پارس‌آباد	شاهسون	سبلان	مازان
۲۴	اسداله سبحانی	۵۵	اردبیل	پارس‌آباد	شاهسون	سبلان	حاجی سرخان
۲۵	رضا کوچکی	۵۷	تهران	پاکدشت	هداوند	مراتع لار	توچال پاکدشت
۲۶	حسن عسگری	۵۵	چهارمحال و بختیاری و خوزستان	کوه‌رنگ و مسجدسلیمان	حموله	دشت لاله واژگون	سرگچ بیسیم مسجدسلیمان
۲۷	علی خسروی	۵۷	اردبیل	پارس‌آباد	شاهسون	سبلان	جلیل‌لو
۲۸	طرلانی	۵۱	اردبیل	پارس‌آباد	شاهسون	سبلان	جلیل‌لو
۲۹	دولت نیک‌نفس	۷۰	اردبیل	پارس‌آباد	شاهسون	سبلان	چوخلی قویی
۳۰	ایوب بهزاد	۵۰	اردبیل	پارس‌آباد	شاهسون	سبلان	چوخلی قویی



شکل ۱- انجام مصاحبات عمیق با بهره‌برداران عشایری استان‌های منتخب

تحلیل داده‌ها

یکی از مهم‌ترین اصول روش نظریه بنیانی، موضوع گردآوری توأم تجزیه و تحلیل و مقایسه مداوم داده‌هاست (فرضی‌زاده، ۱۳۹۰؛ Allan, 2003؛ Mills *et al.*, 2007؛ Scott, 2004؛ ادیب حاج باقری، ۱۳۸۵).

بدون تجزیه و تحلیل داده‌ها هم‌زمان با گردآوری داده‌ها، محقق نمی‌داند که در مصاحبه‌های بعدی، باید درباره چه موضوعی و از چه افرادی سؤال بپرسد.

تنظیم داده‌ها در حین تحلیل داده‌ها رخ می‌دهد. دلیل مرتب‌کردن و تنظیم وقایع براساس ترتیب زمانی، در حین تجزیه و تحلیل داده‌ها این است که محقق در مراحل سه‌گانه کدگذاری به دنبال مشخص کردن شرایط علی، زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، پدیده، راهبردها و پیامدهای اعمال راهبردهاست. درواقع، مرتب‌کردن مقوله‌ها براساس معیارهای فوق، بیانگر ترتیب وقوع حوادث است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با سه رویه کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام می‌شود. ابتدا در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم و مقوله‌ها تشکیل می‌شوند تا بتوان در مرحله بعد به بسط مقوله‌های مذکور پرداخت یا از مقوله‌ای جدید برای تکمیل مقوله‌های قبلی استفاده کرد. انجام این سه مرحله خیلی زمان‌بر است.

پیاده‌کردن نوار مصاحبه با پاسخگویان روی کاغذ، کدگذاری داده‌ها و ایجاد مفاهیم، دسته‌بندی مفاهیم و تشکیل مقوله‌ها، مقایسه مقوله‌ها با هم، یافتن ارتباط آنها با یکدیگر، روند بسط مقولات براساس معیارهای نظریه بنیانی - که خود نیازمند جمع‌آوری مکرر داده‌ها و تحلیل آنها طبق مراحل مذکور است - مقایسه مجدد مقوله‌ها و رفت و آمد مداوم بین داده‌ها و مقوله‌ها، پرسش، جابه‌جایی، حذف و ... همگی مستلزم صرف وقت زیاد است.

نتایج

نتایج حاصل از اجرای این تحقیق، طی سه رویه کدگذاری باز، محوری و انتخابی، ۳۰۲۰ مفهوم، ۱۴۶ مقوله فرعی، ۶ مقوله اصلی و ۱ مقوله مرکزی به شرح زیر است:

کدگذاری باز

اولین مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها در نظریه بنیانی کدگذاری باز است (Straus & Glaser, 1967). در تحقیق پیش‌رو، پس از انجام هر مصاحبه، متن ضبط‌شده روی کاغذ پیاده شد. تمام جملات به دقت بررسی و مفاهیمی از یک یا چند جمله استخراج شد و در محل مخصوص جدول مربوطه وارد شد.

برای ایجاد یک مفهوم از تکنیک «پرسش» استفاده شد، به این معنی که از خود می‌پرسیدیم، این داده‌ها بیانگر چه موضوعی هستند؟ به‌طورمثال به عبارتی مثل «اگر بخوایم بی‌رویه دام وارد مرتع کنیم جز، نابودی مرتع هیچی حاصلمون نمی‌شه» در متن مصاحبه، برچسب یا کد «دام‌مازاد بر ظرفیت، عامل نابودی مراتع» دادیم. سپس برای جملات مشابه در مصاحبه‌های بعدی نیز همان مفهوم در نظر گرفته شد.

بدین ترتیب مفاهیم برای تمام جملات پاسخگویان به همین منوال مشخص شدند. در بالای هر جدول نیز کد پاسخگو یادداشت شد و در صورت نیاز، زیر هر پرسش و پاسخی، مشاهدات و نقطه‌نظرات محقق (Memo) در خصوص آن مورد یادداشت شد (جدول ۳).

جدول ۳- کدگذاری باز (کد ۱)

مفاهیم	داده‌های خام (مصاحبه)	
استفاده برای مدت معلوم فرهنگ‌سازی محیط‌زیست استفاده پایدار مشارکت رقابت در استفاده بیشتر از مراتع مشاعی دام مازاد بر ظرفیت، عامل نابودی مراتع	۱ آیا مراتع همین‌جوری مدیریت بشن بهتره؟	
	افراد عشایر که استفاده می‌کنند از این مراتع برای مدتی معلوم، (استفاده برای مدت معلوم) اگر آنها پی ببرند به فرهنگ‌سازی محیط‌زیست (فرهنگ‌سازی محیط‌زیست) و برای همیشه بخواهند نه برای یک نسل (استفاده پایدار) یعنی باری از دوش مسئولین برمی‌دارند (مشارکت) درگیر این‌صورت من فقط منافع خودم را بخوام (رقابت در استفاده بیشتر از مراتع مشاعی)، اگر بخوایم بی‌رویه دام وارد مرتع کنیم، جز، نابودی مرتع هیچی حاصلمون نمی‌شه (دام مازاد بر ظرفیت، عامل نابودی مراتع)	۱
اعتقاد به مدیریت عشایر ارتباط تحصیلات با حفظ منابع طبیعی عدالت در کنترل تعداد دام پروانه‌ها افزایش آگاهی تبعیت از قانون	{در پروانه چرای افرازی (فردی)، یا مشاعی (مرتع شریکی) نوشته شده چه کسی، یا چه کسانی با چه نوع و چند تا دام از چه تاریخی و تا چه مدت می‌توانند از مرتع مذکور استفاده کنند، اگر از این نوشته عدول کنند تخلف‌شان توسط مأموران حفاظتی منابع طبیعی در فرم‌هایی تنظیم شده و به دادگاه معرفی می‌شوند و قضات باید در اولین فرصت به پرونده‌ها رسیدگی کنند، ولی به دلیل گستردگی مراتع، اعتبار و نیروی کم درعمل، کنترل تعداد دام در همه مراتع کشور مقدور نیست و قضات نیز تنبیهات نوشته‌شده در قانون را اعمال نمی‌کنند}	
	۲ همین امروز بگویند خودتان تصمیم بگیرید و منابع طبیعی کارتان نداشته باشد، آیا جواب می‌دهد یا خیر؟	۲
	جواب می‌دهد. (اعتقاد به مدیریت عشایر) اما این روزها کمی بهتر شده است، برای مثال پسر من تحصیل کرده است. الان خوب می‌فهمد. (ارتباط تحصیلات با حفظ منابع طبیعی) که شماها بگید، آقا ۱۰۰ تا پروانه پدرت داره، شما نباید ۱۵۰ یا ۲۰۰ ببری آنجا. اون بنده خدا که ۵۰ تا داره و ۵۰ تاش می‌آره، اضافه نمی‌آره، در حقش ظلم نشده، (عدالت در کنترل تعداد دام پروانه‌ها) الان آگاه شدن، بهتر شده (افزایش آگاهی) شنوا شدن، بهتر شده. (تبعیت از قانون)	۲
{ } (Memo)		

بعد از اتمام مرحله تعیین مفاهیم، کلیه مفاهیم مشابه تکرار شده در جملات پاسخگویان، با استفاده از تکنیک «تحلیل محتوا» مشخص شد. با وجود سختی کار، حسن استفاده از این تکنیک این است که می‌تواند به ما در تعیین مقولات کمک کند، به بیان بهتر، مفاهیمی که پاسخگویان زیادی به آنها اشاره کردند، خود می‌توانند به عنوان مقوله در نظر گرفته شوند. سایر مفاهیم تکرار نشده نیز، با یکدیگر مقایسه شدند و مفاهیمی که از لحاظ معنایی با یکدیگر تناسب داشتند و بر موضوع واحدی دلالت می‌کردند، یک مقوله را تشکیل دادند.

برای نام‌گذاری مفاهیم و مقولات بیشتر، از کدهای زنده استفاده شد. کدهای زنده شامل عباراتی می‌شدند که پاسخگویان در حین مصاحبه به آنها اشاره می‌کردند، مانند «اینجا جایی برای غریبه نیست»، «پروانه چرا جلوگیری از زورگویی» و ... عناوین تعداد معدودی نیز از ادبیات موجود گرفته شد مانند «مشارکت»، «رقابت در استفاده مشاعی» و محقق باید در حین انجام پژوهش با روش نظریه بنیانی، یافته‌های خود را در اختیار اساتید و صاحب‌نظران قرار دهد تا از تجارب و دانسته‌های آنان نیز در این خصوص بهره‌مند شود. در این بررسی نیز از نقطه‌نظرات مشاوران و همکاران استفاده شد.

داده‌های حاصل از هر مصاحبه، نوع سؤال‌ها را برای مصاحبه بعد تعیین می‌کند. سؤال‌هایی که به بسط و گسترش مقوله‌ها، خصوصیات و ابعاد آنها می‌انجامند، عبارتند از: چه کسی؟ کی؟ کجا؟ چه چیزی؟ چگونه؟ چقدر؟ و چرا؟. محقق باید از خود بپرسد، در مصاحبه بعدی با چه کسانی باید صحبت کند تا برای سؤال‌های خود پاسخی بیابد.

تعداد مقوله‌هایی که با تجزیه و تحلیل ۳۰۲۰ مفهوم، مقایسه مداوم و دسته‌بندی آنها به دست آمد، شامل ۱۴۶ مقوله شد. مقوله‌های حاصل از هر مصاحبه، در برگه کوچکی یادداشت و مانند تکه‌های پازل در کنار یکدیگر چیده شدند (شکل‌های ۲ و ۳).



شکل ۲- اکتشاف مقولات در مرحله کدگذاری باز



شکل ۳- مقولات حاصل از انجام مرحله کدگذاری باز

مقوله‌ها با در نظر گرفتن پرسش‌های تحقیق، با هم مقایسه شدند. نگاه کلی به آنها، مقایسه آنها و پرسش درباره رابطه بین آنها براساس معیارهای نظریه بنیانی و جابه‌جایی برگه‌ها امکان چینش مقوله‌ها را به شیوه خاص تأیید کرد. درواقع، مقولاتی که با هم مرتبط بودند، در ستونی زیر هم قرار گرفتند و مجموعه وسیع‌تری را تشکیل دادند. هر مجموعه (ستون) مربوط به یک پدیده (Phenomenon) خاص بود، طوری که در پایان، تعداد مقوله‌های اصلی (پدیده) به ۶ مورد رسید و مقوله‌های دیگر به عنوان مقوله‌های فرعی قلمداد شدند (جدول ۴) که بیانگر شرایط علی (Causal condition)، شرایط مداخله‌گر (Intervening condition)، زمینه (Context)، راهبردهای عمل/تعامل (Action/interaction strategies) و پیامدهای (Consequences) اعمال راهبردها بودند. در اصل برای هر ۶ مقوله یا پدیده اصلی، ۵ سؤال (شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، زمینه، راهبردها و پیامدها کدام است؟) مطرح می‌شد و جواب‌های آنها در مقولات فرعی یافت می‌شد. مقوله‌های اصلی با بسیاری از مقوله‌های فرعی ارتباط داشتند. دستیابی به این مقولات نیز بسیار زمان‌بر بود. گاهی لازم می‌شد، طی مراحل پرسش و مقایسه، برخی مقولات حذف، یا از مجموعه (ستون) خود جابه‌جا شوند.

خلاصه پدیده‌های اصلی (مقولات اصلی) در این پژوهش عبارت بودند از:

- ✓ مدیریت چرا راهکار بهبود مراتع
- ✓ ضرورت اجرای دقیق و جدی قوانین
- ✓ تعداد دام قیدشده در پروانه چرا باید اقتصادی شود.
- ✓ شهرنشین پروانه‌دار، دامدار بدون پروانه
- ✓ پروانه چرا در ایجاد تعادل دام و مرتع موفق عمل نکرده است.
- ✓ عشایر حافظ، دولت حامی

جدول ۴- پدیده‌های اصلی و فرعی تحقیق

پدیده‌های اصلی	مدیریت چرا راهکار بهبود مراتع	ضرورت اجرای دقیق و جدی قوانین	تعداد دام قیدشده در پروانه چرا باید اقتصادی شود.	شه‌رنشین پروانه‌دار، دامدار بدون پروانه	پروانه چرا در ایجاد تعادل دام و مرتع موفق عمل نکرده است.	عشایر حافظ، دولت حامی
مقولات فرعی	هدایت عشایر گذری	دولت مالک، عشایر بهره‌بردار	سری که درد نمی‌کنه، دستمال نمی‌بندند	پروانه‌داران، کنترل‌کنندگان دامداران بدون پروانه	دامدار غیرمجاز غریبه	حضور دولت برای حل اختلافات
	مراتع، قابلیت احیا دارند	دولت، حافظ بد منابع طبیعی	حمایت تسهیلاتی و نهادهای دولت	پروانه برای حق ریشه	در مراتع مشاعی رفتار عشایر مناطق مختلف یکسان نیست	مردم به محیط‌شان آگاه‌ترند
	در مدیریت، مراتع، آب‌وهوا تعیین‌کننده است	در صورت وجود اراده، دولت تواناست	کوچ ماشینی هزینه‌بر است	پروانه برای دام	دامدار جنب پدري	عشایر منتظر دولت، دولت منتظر عشایر
	مراتع مشاعی کوچ هماهنگ می‌طلبند	عدالت در اجرای قانون	دامداری اصولی	پروانه و طرح مرتع‌داری به مثابه سند دامداری	دامدار غیرمجاز خودی	قرق‌بان یا مجری طرح باید باشد
	از بین رفتن میان‌بندها	پارادوکس رفتاری دولت در برخورد با روستایی و عشایر	تبانی دامداران	سهام‌بری همه وراثت در پروانه مشاعی	کوچ ماشینی، چرای زودرس مراتع	محدودیت‌های مدیریت دولتی

۲۰ / ارزیابی نحوه مدیریت مراتع عشایری براساس پروانه‌های چرا

مقولات فرعی	ورود تکنولوژی، رفاه عشایر	تغییر کاربری تهدید جدی برای مراتع	پیشرفت بهداشت، کاهش تلفات دامی	عده‌ای به‌دنبال امتیاز طرح و پروانه‌اند	اشتغال خارج از مراتع، راهکاری برای حل مشکل جمعیت سرریز مراتع	آهسته و پیوسته
	در کوچ ماشینی نیز آمادگی مرتع مدنظر است	مدیریت بالا به پایینی	بوروکراسی حاکم بر بیمه دام	اجاره دام	دامداری صنعتی، راهکاری دیگر برای حل مشکل جمعیت سرریز مراتع	انتخاب مدیر معمد مرتع
	مزایای ماشینی‌شدن کوچ از معایب آن بیشتر است	جهت‌گیری سیاسی در صدور پروانه	آفات، بیماری و بلایا، افزایش تلفات، کاهش سود دامداری	پروانه‌داران بدون دام، اجاره‌دهندگان مرتع	عرف بر مراتع حاکم است	اطلاع‌رسانی مشارکت‌ساز است
	قرق دولتی عزیزتر از مرتع	برخورد سلیقه‌ای با قانون	اسکان پشته‌دانه نظام دامداری عشایری	اجاره‌دهی به خودی	تجدید ممیزی	مدیریت شورایی
	ییلاق کوتاه‌مدت، قشلاق اصل است	به گزارش‌ها رسیدگی نمی‌شود	واسطه‌گری به ضرر عشایر	پویایی دامداران	صدور غیرعلمی پروانه‌های چرا	توسعه پایدار مراتع
	کوچ ماشینی رفاه خانواده	بی‌اعتمادی به دولت	اقتصاد خانوادگی	دامدار واقعی نظام عشایری دارد	اطلاعات پروانه ثابت است	مدیریت هیئت‌امانی

ارزیابی نحوه مدیریت مراتع عشایری براساس پروانه‌های چرا / ۲۱

ازبین رفتن میان‌بند، الزام کوچ ماشینی	عشایر نیز در تخریب مراتع مؤثرند	عشایر تولیدکننده هستند	مهاجرت	صدور پروانه، تضعیف عرف، تخریب مراتع	انسجام بالا
کوچ گروهی و امنیت بالا	اشکالات قانونی	کمبود آب مشکل اجرای برنامه‌های توسعه‌ای	مهاجرت معکوس	رضایت از عملکرد هیئت‌ممیزی در مناطق مختلف یکسان نیست	مرتع جوان‌طلب است
حفظ مراتع با کوچ میسر است		دامداری سنتی عادت است	دامدار تک‌قطبی	رضایت‌نداش تن از پروانه	تحصیل‌کردگان عشایری، همیاران آخر هفته‌ای
کاهش دام مازاد، تولید علوفه مازاد		بیکاری دلیل علاقه‌مندی فرزند به دامداری	دامداران بدون پروانه پر تعدادند	تاریخ پروانه‌ها قدیمی است	عشایر، مدیران مرتع
استفاده نوبتی از مراتع، راهکاری برای حل مشکل دام مازاد		سازگاری دام‌ها به تنش‌های محیطی	پروانه ورثه‌ای اختلاف‌برانگیز است	مدیریت بهینه پروانه افرازی	حضور همه عشایر شرط توفیق مدیریت تعاونی
رعایت تقویم کوچ به حمایت دولت نیاز دارد		دامداری سنتی هزینه‌بر است	پروانه‌داران دارای دام کم‌تعدادند	رقابت در استفاده مشاعی	در گذشته حرف‌شنوی از بزرگان مرسوم بود

مقولات
فرعی

تغییر تقویم کوچ سنتی با صدور پروانه چرا		محروم از امکانات توسعه‌ای	پروانه‌دار مالیات‌دهنده	نشان‌دار کرد ن، راهکار کنترل دام مازاد نیست	تعلقات، مانع گزارش تخلفات
ارتباط کشاورزی با دامداری		چندشغلگی	دامداران خرده‌پا پرتعدادند	پویایی، تعداد، ترکیب و تنوع دامی	
		دامداری سنتی با علوفه مرتعی سودآور است		مشکلات تفکیک مراتع مشاعی	
		چوپان خارجی، مدیر بد مرتع	همه عشایر دامدار نیستند	مشاعی بودن مانع اجرای برنامه‌های مدیریتی است	
		دامداری فصلی اقتصادی است	تخصیص پروانه مشاعی برای دامداران خرده‌پا	افزایش جمعیت، افزایش دام، تخریب مرتع	
		دامداری شغل تمام‌وقت	جذب طبیعت	افزایش جمعیت در صدور پروانه نادیده گرفته شده است	
		ادغام گله‌ها، کاهش هزینه‌ها	اینجا جایی برای غریبه نیست	تغییر سبک زندگی، نیاز به دام زیاد، تخریب مراتع	

مقولات
فرعی

	نظارت عمومی در مشاعات	تحصیل‌کردگان و زنان بی‌علاقه به دامداری	تخریب مرتع، افزایش هزینه دامداری			مقولات فرعی
	تعادل دام و مرتع		حق علف‌چر، جبران هزینه‌های دولتی			
	فرافکنی، مسئولیت تخریب در مشاعات		مدیریت هزینه، زندگی بهتر			
			امکان خرید و فروش پروانه چرا			
			عشایر با بنیه مالی متوسط			

بدین ترتیب در این مرحله «کدگذاری باز» به اتمام رسید و وارد مرحله کدگذاری محوری شدیم.

کدگذاری محوری

در این مرحله محقق، مقولاتی را در اختیار دارد که باید آنها را در نظامی منطقی برای تولید نظریه قرار دهد. اما ابتدا لازم است تا مقوله‌ها در پرتوی داده‌های واقعی پالایش یابند و ارتباط آنها با یکدیگر مشخص شود. این اقدامات در مرحله کدگذاری محوری انجام می‌شود. در کدگذاری محوری، داده‌هایی که در کدگذاری باز به مفاهیم و مقولات تجزیه شده بودند، به شیوه‌های جدید به یکدیگر می‌پیوندند تا پیوندهای میان یک مقوله و مقولات فرعی‌اش را بسازند. پس این مرحله بیانگر فرایندی است که مقوله‌های اصلی و مقوله‌های فرعی آنها بسط می‌یابند.

محقق باید میان یک مقوله و مقوله‌های فرعی‌اش، پیوند برقرار کند. این کار با استفاده از یک «مدل پارادایمی» شامل «شرایط علی»، «پدیده»، «زمینه»، «شرایط مداخله‌گر»،

«راهبردهای عمل/ تعامل» و «پیامدها» انجام می‌شود. در این تحقیق با قرار دادن مقوله‌های پدیدارشنده در چهارچوب مدل پارادایمی، مدل‌های مربوطه ساخته شدند.

کدگذاری انتخابی

در کدگذاری انتخابی، فرایند روایت داستان (Story line)، کشف مقوله مرکزی تحقیق و مرتبط‌ساختن آن با سایر مقوله‌ها در قالب مدل پارادایمی، اعتباربخشیدن به روابط در تقابل با داده‌های خام، پرکردن جاهای خالی و تکمیل مقوله‌های فرعی، که نیاز به اصلاح، بسط و گسترش دارند و توضیح خط اصلی داستان شکل می‌گیرد (Straus and Corbin, 1990). درواقع، در داستان، گزارشی از جمع‌نهایی مدل‌های حاصل‌شده را ارائه می‌دهیم، آنچه به محقق در بیان داستان کمک می‌کند، مدل‌های ترسیم‌شده در مرحله کدگذاری محوری است. وقتی به شرح داستان می‌پردازیم، مقوله مرکزی تحقیق، خود را در لوای مطالب بیان‌شده نشان می‌دهد. مقوله مرکزی تحقیق باید با سایر مقوله‌های تحقیق ارتباط داشته باشد (فرضی‌زاده، ۱۳۹۰). در پژوهش پیش‌رو، داستان بدین‌صورت بیان شد:

مدیریت مرتع براساس پروانه‌های چرا با هدف اعمال مالکیت دولت و حذف پرداخت حق علف‌چرا از سوی دامداران به مالکین قبلی، از سال ۱۳۲۰ شروع شد و دریافت پروانه توسط بهره‌برداران ذی‌حق نیز بعد از ملی‌شدن جنگل‌ها و مراتع کشور با مصوبه‌ای از سوی هیئت‌وزیران، الزامی شد. در حال حاضر نیز، شناسنامه مرتع مبنایی برای مدیریت مراتعی است که فاقد طرح مرتع‌داری هستند. ولی با تجزیه‌وتحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه و مشاهده مشخص شد، پروانه چرا که ضمن لیست نمودن دامداران ذی‌حق، رعایت تقویم ورود و کوچ و تعداد و ترکیب دام در آن الزامی شمرده شده است و رعایت‌نکردن آن منجر به ابطال حقوق

دامداری می‌شود (محبی، ۱۳۹۷)، درعمل، در ایجاد تعادل بین دام و مرتع در مراتع عشایری مناطق مورد مطالعه ناکارآمد بوده است.

همچنین می‌توان به سایر موضوعات اشاره کرد، ازجمله قدیمی‌بودن تاریخ پروانه‌ها، یکسان نبودن میزان رضایت از عملکرد هیئت‌ممیزی در مناطق مختلف، پویایی دامداران و دام و نادیده‌گرفته‌شدن پویایی‌های مذکور در پروانه‌ها، ارزیابی‌های غیرعلمی به‌خصوص در بخش تعیین آمار دام قیدشده در پروانه‌ها، که به‌دلیل مشکل سرشاخ‌شماری، بیشتر با اقرار خود دامداران یادداشت شده و در برخی مناطق به‌دلیل نبود اطلاع‌رسانی، بی‌اعتمادی به دولت و ترس از پرداخت مالیات بیشتر (حق علف‌چر)، این آمار از سوی دامداران، کمتر از میزان واقعی اعلام شده است.

بنابراین، این تعداد دام برای نسل‌های بعدی، که با افزایش جمعیت و تغییر سبک زندگی مواجه شدند، اقتصادی نبوده و منجر به رعایت‌نکردن تعداد قیدشده در پروانه‌ها و درنتیجه تخریب بیشتر مراتع و افزایش هزینه دامداری ناشی از تعلیف دستی و کاهش سودآوری دامداری سنتی شده است. نبود نظارت قوی و اجرانشدن دقیق و جدی قوانین نیز مزید بر علت بوده است. تباری‌های دامداری نیز در این امر بی‌تأثیر نبوده است. تعیین سطح مراتع و پوشش گیاهی نیز بیشتر تخمینی بوده و نقش آب‌وهوا در مدیریت مراتع، همچنین آفات، بیماری‌ها و بلایا، که در آمار دام تا حدودی تعیین‌کننده‌اند، نادیده گرفته شده است. از سویی در اعمال قانون و ممیزی مرتع و صدور پروانه‌های چرای بسیاری از مناطق، صدور پروانه‌ها حتی در مشاعات براساس تحدیدات عرفی نبوده و برای چند عرف یک پروانه مشاعی صادر شده است. این امر تا حدودی به تضعیف عرف، همچنین عملی‌شدن خود پروانه منجر شده است. به نظر می‌رسد می‌توان مشاعی‌بودن را هم فرصت و هم تهدیدی برای مراتع تلقی نمود. فرافکنی

مسئولیت تخریب، رقابت در استفاده مشاعی، اجرایی نبودن بسیاری از تصمیمات مدیریتی، ضرورت کوچ هماهنگ در مشاعات، سهم‌بری همه وراث، حضور دام همه وراث در مرتع، مشکلات تفکیک، نبود احساس مالکیت شخصی، مشکل جمع‌آوری حق علف‌چر، نبود مشارکت برخی در احیای مراتع و ... تهدید به‌شمار آمده، در مقابل نظارت عمومی، تخصیص پروانه مشاعی برای دامداران خرده‌پا، پیشگیری از اختلافات تفکیک و ... نیز از فرصت‌های استفاده مشاعی از مراتع بر شمرده شده است.

در کل هرچند رفتار عشایر مناطق مختلف در مراتع مشاعی یکسان نیست، مراتع مشاعی وضعیت مناسبی ندارند. حضور دامداران جنب‌پدری، غیرمجاز خودی و غریبه، به افزایش تعداد دام و تخریب مراتع منجر شده است. نبود نظارت قوی، اجرانشدن دقیق و جدی قوانین، برخوردهای سلیقه‌ای با قانون، رسیدگی نکردن به گزارش‌های تخلف، تبانی دامداران به اشکال مختلف، پارادوکس رفتاری دولت در برخورد با روستایی و عشایر به نفع روستایی، مدیریت بالا به پایینی، مقید بودن بهره‌برداران به عرف (عرف در مراتع حاکم است)، نبود حرف‌شنوی از بزرگان، به شکلی که در گذشته مرسوم بوده است، مغایرت تقویم کوچ قیدشده در پروانه با شرایط آب‌وهوایی، از بین رفتن میان‌بندها و الزام کوچ ماشینی که به چرای زودهنگام، منجر شده است، همه از ضعف پروانه‌ها در مدیریت مراتع حکایت دارند.

در بسیاری از مراتع، عشایر منتظر دولت و دولت، منتظر عشایر هستند، اولی، خود را بهره‌بردار علوفه مراتع و حفاظت از آن را از وظایف مالک می‌داند و دومی نیز به دلیل محدودیت‌های مدیریت دولتی، چندان در حفاظت موفق عمل نکرده است. دولت می‌توانست با سیاست‌های تشویقی و تنبیهی از پتانسیل‌های بهره‌برداران در این زمینه به نحو مطلوب استفاده کند. در این میان برخی از سودجویان و پروانه‌دارانی که بیشتر بدون دام هستند، از

اشکالات قانونی و ضعف نظارتی برشمرده شده استفاده نموده و حق انتفاع خود را برای روز مبادا حفظ نموده‌اند تا «سهمی از انفال داشته باشند» و حق ریشه خود را حفظ کنند و علاوه بر رانت‌خواری و اجاره‌دهی، در صورت اجرای طرح‌های عمرانی، از امتیاز پروانه خود استفاده کنند.

از دیدگاه عشایر مناطق مورد مطالعه، با اتخاذ و عملی‌نمودن راهبردهایی مثل صنعتی و اقتصادی کردن دامداری‌ها، دامداری فصلی، اسکان خودجوش و هدایتی، استفاده نوبتی از مراتع با سطح محدود، تجدید ممیزی و به‌روز کردن اطلاعات دامداران، مدیریت چرا، در کنار اجرای دقیق و جدی و عادلانه قوانین و پرهیز از راهکارهای غلط کارشناسی مثل تلاش برای کنترل دام مازاد از طریق گنجاندن نشان دام‌ها در پروانه‌ها (که به‌جز اتلاف وقت و هزینه حاصلی در بر نخواهد داشت)، می‌توان به توسعه پایدار مراتع و کاهش دام مازاد و تولیدات بیشتر امیدوار بود. عشایر معتقدند، دامدار واقعی دارای نظام عشایری است ولی چیزی که روشن است، در سیستم عشایری کنونی همه عشایر، دامدار نیستند، برخی تک‌قطبی و برخی نیز پروانه‌داران بدون دام هستند. یکی دیگر از عواملی که در ناکارآمدی پروانه در ایجاد تعادل بین دام و مرتع نقش دارد، پدیده شهرنشین پروانه‌دار، دامدار بدون پروانه است. اصطلاح شهرنشین پروانه‌دار به شخصی اطلاق می‌شود که پروانه دارد، ولی دام ندارد و چون ۸۶ مورد از مفاهیم استخراج شده از داده‌های خام به موضوع شهرنشینی آنها اشاره داشت، با این عنوان نامیده شدند.

باوجود اینکه قانون، تخصیص پروانه را به مرتع‌دار (حق ریشه) - دامدار پیش‌بینی نموده است، بسیاری از مرتع‌داران، ترک دامداری کرده و به شهرها مهاجرت نموده‌اند. آنان برای حفظ حقوق عرفی، همچنین کسب درآمد، پروانه‌های خود را به اشکال مختلف در اختیار دامداران غیرمجاز خودی و غریبه قرار می‌دهند. در اصل بیشتر پروانه‌داران بدون دام، دریچه ورود

دامداران غیرمجاز به مراتع محسوب می‌شوند. اینان خود را پروانه‌داران مالیات‌دهنده به دولت می‌نامند و شرکای شهری مراتع مشاعی هستند و پروانه و طرح را به مثابه سند ذی‌حق بودن خویش می‌دانند. قانون حکم می‌کند که پروانه ترکِ دامداری‌کننده، باید ابطال شود، اما، برخوردهای سلیقه‌ای با قانون، اجرانشدن دقیق و جدی قوانین و رسیدگی نکردن به گزارش‌های تخلف، مانع اجرای آن می‌شود. اکثر اوقات، تعلقات نیز مانع گزارش تخلفات می‌شود.

چندشغلگی از خصوصیات پروانه‌داران بدون دام است. برخی از آنان علاوه بر اینکه به دامداری فصلی (خرید بره در اوایل بهار و پرورش در ییلاق و فروش آنها در آخر تابستان) روی آورده‌اند، به مشاغل دیگر نیز مشغولند. دلیل روی‌آوری به این سیستم از دامداری علاوه بر اشتغال در مشاغل دیگر، حفظ حقوق عرفی و سودآوری بیشتر به دلیل اجتناب از تعلیف دستی در زمستان و قشلاق است. هرچند دامداران عشایری دید مثبتی به این قضیه ندارند و آن را با عناوینی همچون «خیانت به مرتع»، «دامدار فصلی، عشایر نیست»، «دامدار فصلی، دامدار واقعی نیست»، «عشق به دامداری، مانع فصلی شدن است» و ... می‌نامند.

ولی از دیدگاه تخصصی، دامداری فصلی، می‌تواند کاهش تخریب در مراتع قشلاقی و اقتصادی‌بودن آن را در پی داشته باشد. دامداران تمام‌وقت، دامداری سنتی را نوعی سنت می‌دانند که در صورت سودآور نبودن نیز به آن عشق می‌ورزند. آنان حاضر نیستند، ابزار (دام) مختص خود را از دست بدهند «هر کس گوسفند مرغوب و بهره‌ده برای خودش دارد» و دامدار فصلی شوند، هرچند بنیه مالی این کار را نیز ندارند. چراکه معتقدند «در صورت فروش دام، خرید مجدد آن مشکل است». تازه «شاید دام‌های غریبه خریداری‌شده مریض و بیمار و ...

باشند». بیکاری دلیل علاقه‌مندی فرزندان به دامداری است، دلیل پذیرش آنان از سوی سایر دامداران احترام به عرف است، چراکه هنوز هم در بسیاری از مراتع عشایری، عرف حاکم است. راهبردهایی که عشایر مناطق موردبررسی در خصوص پدیده شهرنشین پروانه‌دار، دامدار بدون پروانه ارائه دادند، اجرای دقیق و جدی قوانین است. آنان معتقدند در صورت وجود اراده، دولت قادر است مدیریت کند. چنانچه سیاست پروانه برای دام، اتخاذ شود، زمینه‌سازی امکان خرید و فروش پروانه می‌تواند در خروج شهرنشین‌های پروانه‌دار بدون دام و ورود دامداران بدون پروانه، که در عمل نیز با تبانی‌های دامداری به شکل‌های مختلف در عرصه‌های مرتعی حضور دارند، وجهه قانونی به خود گیرد. ارائه راهبرد اقتصادی‌شدن تعداد دام قیدشده در پروانه‌ها از سوی عشایر، برای مواقعی است که دولت در کنترل تعداد دام جدی عمل نمی‌کند. تخصیص پروانه مشاعی برای دامداران خرده‌پا، که در دستورالعمل ممیزی مرتع نیز پیش‌بینی شده است، از دیگر راهبردهاست.

دولت می‌تواند با تجدید ممیزی (در صورت وجود امکانات و شرایط) و اعمال قانون، نسبت به به‌روزرکردن اطلاعات دام و دامداران اقدام کند. اشتغال خارج از مراتع، اسکان و دامداری صنعتی نیز از موارد پیشنهادی است که می‌توانند در خروج جمعیت مازاد مراتع مؤثر باشند. هرچند کمبود آب به‌عنوان مانعی برای اجرای برنامه‌های توسعه‌ای در مراتع به‌خصوص مراتع قشلاقی، مطرح است. اکثر پروانه‌داران بدون دام، شیفته جذبه طبیعت مراتع آب‌آ و اجدادی‌شان هستند. به همین دلیل برخی از آنان پس از بازنشستگی از مشاغل شهری با مهاجرت معکوس دوباره به دامداری روی آورده‌اند. برخی از این پروانه‌داران عنوان نمودند، در صورت وجود شرایط قانونی، آنها توانایی کنترل دامداران فاقد پروانه را دارند. موضوعی که باید با تأمل به آن

نگریست. علاوه بر پویایی دام و دامدار، یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در ناکارآمدی پروانه‌های چرا در تعادل دام و مرتع، اقتصادی نبودن تعداد دام قیدشده در پروانه‌هاست.

همان‌طوری که پیش‌ازاین نیز اشاره شد، بنابه اظهارات پاسخگویان، در برخی مناطق، نبود اطلاع‌رسانی کافی، بی‌اعتمادی به دولت و ترس از پرداخت مالیات (حق علف‌چر) بیشتر، اقرار نادرست و کم تعداد دام در گذشته را در پی داشته است. افزایش جمعیت و تغییر سبک زندگی در شرایط کنونی دام زیادی را می‌طلبد، که مراتع پاسخگوی آن نیست. این موضوع تا حدودی مهاجرت عده‌ای از وراثت‌داران را در پی داشته است، ولی حضور بقیه وراثت تحت عناوین دامداران جنب پدری، جایگزین، «جایگزین با برادران»، اجاره به خودی و غریبه و ... باعث حضور دام بیش از ظرفیت در مراتع، در نتیجه کمبود علوفه و افزایش هزینه دامداری شده است. هرچند آفات، بیماری‌ها و بلایا نیز با کاهش علوفه و تلفات دامی نقش منفی خود را در اقتصاد دامداری سنتی ایفا می‌کنند،

ولی مهم‌ترین عامل هزینه‌بر بودن دامداری سنتی، تعلیف دستی دام‌ها در طول زمستان و در قشلاق است. از بین رفتن میان‌بندها، خرید پس‌چر مزارع، یا اجاره غیرقانونی مراتع حریم روستاها در طول مسیر کوچ، کوچ ماشینی بسیاری از عشایر را ضروری نموده، در نتیجه هزینه دامداری را افزایش داده است.

راهبردهای ارائه‌شده در این زمینه عبارتند از: اقتصادی‌شدن دامداری، اشتغال خارج از مراتع، اسکان، دامداری صنعتی، احیای مراتع، دامداری اصولی، ادغام گله‌ها برای کاهش هزینه‌ها، حمایت تسهیلاتی و نهادی دولت، دامداری فصلی، امکان خرید و فروش پروانه، انتخاب مجری طرح یا قرق‌بان، مدیریت هزینه، زندگی بهتر و ضرورت کوچ هماهنگ مراتع مشاعی. از عوامل محدودکننده راهبردهای ارائه‌شده پاسخگویان می‌توان محرومیت عشایر از

امکانات توسعه‌ای، کمبود آب، مشکل اجرای برنامه‌های توسعه‌ای و چندشغلی را نام برد. به‌کارگیری چوپانان خارجی به‌عنوان مدیران ناوارد و بد مراتع، هزینه‌های دامداری را مضاعف نموده است. به‌تازگی، ترس از اقدامات جاسوسی این قبیل از چوپانان، نگرانی‌هایی را در محافل سیاسی ایجاد کرده است. واسطه‌گری به ضرر عشایر، موضوع اقتصادی دیگری است که سبب شده عشایر با هدف حذف واسطه‌ها در قالب «انجمن صنفی کارفرمایی مرتع‌داران کشور» تحرکاتی را آغاز کنند، اما، به‌دلیل اتکای آنان به دولت و نبود همه عشایر در این تشکیلات، تاکنون (۱۴۰۲) نتیجه‌ای حاصل نشده است.

از شرایط تسهیل‌کننده راهبردها می‌توان، ارزان‌قیمت بودن استفاده از علوفه مرتعی، پیشرفت بهداشت و کاهش تلفات دامی، سازگاری دام‌ها به تنش‌های محیطی، ارتباط کشاورزی با دامداری، جذب طبیعت، هزینه‌بر بودن دامداری سنتی، بنیه مالی متوسط عشایر، اقتصاد خانوادگی، تولیدکنندگی عشایر و تمام‌وقت بودن شغل دامداری را نام برد. با رفع موانع انتظار می‌رود، علاوه‌بر انسجام بالا در بین عشایر و مهاجرت معکوس، با ورود تکنولوژی (موبایل و ...) امورات مدیریتی توسط عشایر تسهیل شود. همچنین زمینه‌سازی‌های قانونی تحقق مقوله «عشایر حافظ، دولت حامی» می‌تواند توسعه پایدار مراتع را فراهم کند.

باوجود تباری‌های مختلف، عشایر مناطق مورد مطالعه، خواهان اجرای دقیق و جدی قوانین هستند. آنان به برخوردهای سلیقه‌ای با قانون، پارادوکس رفتاری دولت در برخورد با روستایی و عشایر، تغییر کاربری و ... معترض هستند. هرچند خود را نیز در تخریب مراتع مقصر می‌دانند، دولت را حافظ بد منابع طبیعی معرفی می‌کنند. پروانه‌داران بدون دام، پروانه خود را اجاره می‌دهند و دامداران غیرمجاز خودی و غریبه، هنوز در مراتع حضور پیدا می‌کنند. نه پروانه اولی ابطال می‌شود و نه دومی قابل شناسایی است. راهبردهای مهم پیشنهادی شامل اجرایی‌شدن

قوانین، مدیریت چرا، نظارت و کنترل بر کوچ هماهنگ در مراتع مشاعی، یاری جستن از پروانه‌داران در کنترل دامداران غیرمجاز با عنوان «عشایر حافظ» به شرط حمایت تسهیلاتی، نهادی و اداری دولت (دولت حامی)، بسته به شرایط محل یکی یا چند نوع از اشکال مختلف مدیریت مشارکتی، شورایی، هیئت‌امنایی، تعاونی، انتخاب مدیر مرتع معتمد، مجری طرح یا قرق‌بان، همچنین تخصیص پروانه برای دامداران خرده‌پا و اسکان به‌عنوان پشتوانه نظام دامداری عشایری می‌شود. آنان معتقدند، هرچند موانعی مثل بی‌اعتمادی به دولت، مدیریت بالا به پایینی، اشکالات قانونی، ثباتی دامداران، محدودیت‌های مدیریت دولتی، مشاعی بودن مانع اجرای برنامه‌های مدیریتی، قدیمی بودن تاریخ پروانه‌ها، ثابت بودن اطلاعات پروانه‌ها، برآوردهای غیرعلمی دام و پوشش گیاهی، نادیده گرفتن تغییرات آب‌وهوایی، پویایی دامدار و تغییرات تعداد، ترکیب و تنوع دامی در پروانه‌ها، تعلقات مانع گزارش تخلفات، رسیدگی نکردن به گزارش‌ها، جهت‌گیری سیاسی در صدور پروانه‌ها، رقابت در استفاده مشاعی، تعارض عرف با پروانه و حاکم بودن عرف بر مراتع، وجود تسهیل‌گرهایی مثل نظارت عمومی در مشاعات، مدیریت بهینه مراتع افرازی، پرهیز از تخلف به دلیل ترس از تنبیه (سری که درد نمی‌کند، دستمال نمی‌بندند)، اعتقاد به حضور دولت در حل تنش‌های درون و برون گروهی وجود دارد، اما دولت، به شرط وجود اراده، می‌تواند از تخریب مراتع پیشگیری کند.

پیش‌بینی می‌شود، عملی شدن راهبردهای توسعه پایدار مراتع می‌تواند، تعادل دام و مرتع، کاهش دام‌مازاد، تولید علوفه مازاد و درنهایت، انسجام بالا را در بین عشایر در پی داشته باشد. چنانچه بخواهیم مدیریت چرا را به زبان ساده بیان کنیم باید بگوییم، چه تعداد دام، با چه ترکیبی و چه زمانی وارد مرتع شده‌اند؟ چگونه و چه مدت از آن چرا نموده‌اند؟ و چه زمانی از آن خارج شده‌اند؟ از کل ۵۱۵ مفهوم تکراری پاسخگویان، که با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا

حاصل شد، ۱۲۴ مفهوم آن (حدود ۲۵ درصد) حول وحوش ضرورت مدیریت بهینه چرا برای بهبود وضعیت مراتع بود. این امر بیانگر کلیدی بودن پدیده مدیریت چرا در مراتع است. وجود حدود ۲/۱۶ برابر دام مازاد بر ظرفیت مراتع (محبی، ۱۳۹۶) و رعایت نکردن زمان ورود و خروج آنها، لطمات کمی و کیفی زیادی را به مراتع وارد کرده است که حاصل آن، علاوه بر خسران ملی، به طور مستقیم، معیشت خود عشایر را تحت تأثیر قرار داده و هزینه دامداری را افزایش داده است. از نظر تئوریک، اساس تدوین پروانه‌های چرا نیز شامل همین موارد است. یعنی چه کسانی، با چه تعداد و ترکیب دامی و در چه زمانی وارد مرتع شده‌اند؟ و چه زمانی باید از آن خارج شوند؟

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد، برخلاف قوانین، باوجود فوت برخی از پروانه‌داران، هنوز اسامی‌شان در پروانه موجود است و وراثت آنها یا موکلین‌شان (شرکای پروانه مثل برادر و ...)، یا وراثت موکلین به استناد آن، دام مازاد و غیرمجاز را به مرتع وارد می‌کنند. ملاحظات مدیریتی هم (شاید به دلیل اعتقاد مأموران به اقتصادی نبودن تعداد دام قیدشده در مراتع)، همیشه شامل حال آنها بوده و قوانین، جدی اجرا نشده است. دامداران جنب پدیری و اجاره‌کنندگان خودی و غریبه نیز مزید بر علت هستند تا مراتع با تخریب روزافزون مواجه شوند. در مواردی هم که مأموران جدی عمل می‌کنند، گاهی قانون نیز، با ملاحظات قوه قضائیه (شاید به دلیل کم‌اطلاعی از اهمیت منابع طبیعی یا دلایل دیگر)، یا بخشش‌های برخی از مدیران کل منابع طبیعی (موضوع ماده ۵۹) ارزش خود را از دست می‌دهد. با اضافه نمودن بحث‌های تشکیلاتی، سیاسی و ...، مشخص می‌شود، عزم جدی در اجرای دقیق قوانین وجود ندارد. یکسان نبودن میزان رضایت از عملکرد هیئت‌متمیزی در مناطق مختلف، صدور غیرعلمی پروانه‌ها در کنار تبنی‌های دامداران و پویایی‌های انجام‌شده در دام و دامداران از زمان صدور پروانه، آن را به یک ابزار

قدیمی که با واقعیت روز تطابق چندانی ندارد، تبدیل نموده است، بنابراین، در عمل، کار کنترل مدیریت چرا با مشکل مواجه شده است، نتیجه نارضایتی دامداران از صدور پروانه است (به جز عده‌ای که به دنبال استفاده از امتیاز پروانه‌اند). تغییر تقویم کوچ سنتی با صدور پروانه، از بین رفتن میان‌بندها و الزام کوچ ماشینی تا حدودی در چرای زودرس مراتع نقش داشته است، به خصوص زمانی که شرایط آب‌وهوایی یکی از قطبین ییلاق یا قشلاق، اجازه رعایت تقویم نوشته‌شده در پروانه را ندهد. راهکارهایی که از سوی عشایر در تحقیق پیش‌رو برای پدیده موردنظر، ارائه شده است، مواردی است از جمله: استفاده نوبتی از مراتع، اشتغال خارج از مراتع و دامداری صنعتی برای جمعیت سرریز، تجدید ممیزی و به‌روز کردن اطلاعات دام و دامدار، ضرورت اجرای دقیق و جدی قوانین، تخصیص پروانه مشاعی برای دامداران خرده‌پا، نظارت بر کوچ گروهی و هماهنگ مراتع مشاعی. اجرایی‌شدن این راهبردها را نیز به همکاری خود عشایر بسته به شرایط مناطق در قالب مدیریت هیئت‌امنائی، شورایی، انتخاب مدیر مرتع معتمد، تعاونی مرتع‌داری، به‌کارگماردن قرق‌بانان محلی به شرط حمایت‌های قانونی دولت منوط دانسته‌اند. به اعتقاد آنان در چنین شرایطی، با اجرای عادلانه قانون، وضعیت مراتع بهبود می‌یابد و امکان ایجاد تعادل دام و مرتع و سودآوری دامداری فراهم خواهد شد. از شرایط محدودکننده راهبردها می‌توان به تعلقات مانع گزارش تخلفات، تبانی‌های دامداران، اشکالات قانونی، مدیریت بالا به پایینی، رسیدگی نکردن به گزارش‌ها، برخورد سلیقه‌ای با قانون، پارادوکس رفتاری دولت در برخورد با روستایی و عشایر، نادیده گرفتن نقش شرایط آب‌وهوایی در تقویم کوچ و مدیریت چرا، قرق دولتی عزیزتر از مرتع (اهمیت بیشتر از سوی دولت نسبت به قرق‌هایی که خود مشخص کرده‌اند) اشاره کرد. از شرایط تسهیل‌کننده راهبردها می‌توان، حمایت تسهیلاتی و نهادی دولت، ارتباط کشاورزی با دامداری (کشاورزی پشتوانه دامداری)،

رعایت زمان آمادگی مرتع، ورود تکنولوژی هم‌سو با رفاه عشایر و امکان خرید و فروش پروانه را نام برد. نتایج حاصل از تحلیل محتوای داده‌ها نشان داد، حدود ۱۴ درصد از مفاهیم تکرار شده پاسخگویان (۶۶ مفهوم از ۵۱۵ مفهوم تکرار شده) پیرامون موضوع مشارکت است. تکرار مفاهیمی همچون «عشایر مدیران مرتع»، «مردم به محیط‌شان آگاهند»، «تحصیل‌کردگان عشایری همیاران آخر هفته‌ای مراتع»، «عشایر تولیدکننده است» و ... نشان از اعلام آمادگی آنان در حفاظت از مراتع دارد، ولی پیش‌شرط این مشارکت را حمایت‌های قانونی دولت بر شمرده‌اند. آنان تجربه کافی را در زمینه مدیریت مراتع دارند، سایه محدودیت‌های مدیریت دولتی همیشه بر سر مراتع بوده است و نارضایتی آنان از پروانه چرا به‌عنوان نسخه اولیه مدیریت مراتع، موجب پیدایش پدیده‌ای شد که آن را «عشایر حافظ، دولت حامی» نامیدیم.

از دیدگاه پاسخگویان، تحقق این شعار با امر اطلاع‌رسانی، رفع اشکالات قانونی، مدیریت چرا، اقتصادی‌نمودن دامداری، زمینه‌سازی حضور عشایر در مدیریت مراتع، اجرای دقیق و جدی قوانین، به‌کارگماردن قرق‌بانان محلی، یا مجریان طرح‌ها با همیاری شوراهای اسلامی و هیئت‌های مختلف امنایی، تعاونی‌ها با حضور چوپانان داوطلب، علاقه‌مند و مطلع به‌صورت تدریجی میسر خواهد شد. در چنین حالتی با حمایت‌های قانونی، تسهیلاتی و نهادی دولت و اجرای عادلانه و جدی قانون توأم با نظارت عمومی، هدایت عشایر گذری و حذف حضور دامداران غیرمجاز خودی و غریبه (اینجا جایی برای غریبه نیست)، انسجام بالا و تعادل دام و مرتع و توسعه پایدار مراتع ممکن خواهد شد. در این رابطه ضروری است، محدودیت‌ها یا تهدیداتی مثل اجاره‌دهی، تعلقات مانع گزارش تخلفات، عشایر منتظر دولت و دولت منتظر عشایر و دامداران جنب‌پدیری و غیرمجاز خودی و غیرخودی به فرصت‌هایی تبدیل شود، همچنین، حرف‌شنوی از رهبران محلی و نمایندگان عشایری و مشارکت پروانه‌داران، مدیریت

کوچ ماشینی و رعایت تقویم کوچ متناسب با شرایط آب‌وهوایی می‌توانند در عملی‌شدن راهبردهای مدنظر پاسخگویان گره‌گشا باشد.

مقوله مرکزی (پدیده هسته‌ای)

با لحاظ نتایج حاصل از تحلیل محتوا، به‌ویژه تعمق در لابه‌لای روایت داستان که پیش‌ازاین بیان شد، مشخص می‌شود، وقتی شهرنشین، پروانه‌دار و دامدار، بدون پروانه است، مدیریت چرا به‌نحو مطلوبی اجرا نمی‌شود، تجارب و پتانسیل عشایر در مدیریت مراتع نادیده گرفته شده است، دامداران، دام و پوشش قیدشده در پروانه‌ها با واقعیت عرصه همخوانی ندارد و تعداد دام قیدشده در پروانه اقتصادی نیست، اجازه‌دهی مراتع همچنان رایج است و عده‌ای پروانه را برای استفاده از مزایای احتمالی می‌خواهند. در این میان وجود قوانینی که ذی‌حق مرتع را مرتع‌دار- دامدار معرفی کرده (باوجود ضعف در تعریف قانون کاربردی برای تعیین آمار دام) و اجازه تغییر تقویم کوچ را به تناسب شرایط محل به سازمان متولی داده است، کاملاً مشهود است. به نظر می‌رسد زمینه، شرایط، یا اراده اجرای قانون وجود ندارد. موضوعی که باید مطالعه و بررسی شود. به‌هرحال با درنظرگرفتن تمام موارد، از بین مقولات اکتشافی، مقوله «ضرورت اجرای دقیق و جدی قوانین» به‌عنوان مقوله مرکزی این پژوهش انتخاب شد. این مقوله علاوه‌بر اینکه به شکل‌های مختلف در داده‌ها تکرار شده است، بین مقوله‌های مختلف نیز ارتباط برقرار می‌کند. درواقع، مقوله‌های اصلی و فرعی زیرمجموعه‌ای از مقوله مرکزی انتخاب‌شده محسوب می‌شوند و زیر چتر آن قرار می‌گیرند. به بیان دیگر، مدل نهایی خلاصه‌ای از تلفیق و یکپارچگی مدل‌های شش‌گانه قبلی است که از آنها صحبت کردیم. در ادامه، این مدل به شرح زیر نمایش داده می‌شود (شکل ۴).

ارزیابی نحوه مدیریت مراتع عشایری براساس پروانه‌های چرا / ۳۷

پایامدها	راهبردها	زمینه	پدیده	شرایط علی
	۱- در صورت وجود اراده دولت تواناست. ۲- پروانه برای دام ۳- مدیریت چرا راهکار بهبود وضعیت مراتع ۴- عشایر حافظ ۵- دولت حامی ۶- مدیریت هیئت امنایی ۷- مدیریت تعاونی ۸- قرق بان یا مجری طرح ۹- مدیریت شورایی ۱۰- انتخاب مدیر مرتع معتمد ۱۱- تجدید ممیزی ۱۲- تخصیص پروانه مشاعی برای دامداران خرده پا ۱۳- امکان خرید و فروش پروانه ۱۴- مراتع مشاعی کوچ هماهنگ می‌طلبند. ۱۵- رعایت تقویم کوچ به حمایت دولت نیاز دارد. ۱۶- حمایت تسهیلاتی و نهادی دولت ۱۷- پروانه‌داران ۱۸- کنترل‌کنندگان دامداران بدون پروانه ۱۹- مراتع قابلیت احیا دارند. ۲۰- ارتباط کشاورزی با دامداری ۲۱- اشتغال خارج از مراتع. راهکاری برای حل مشکل جمعیت مازاد مراتع. ۲۲- دامداری صنعتی، راهکار مشکل دامداری فصلی اقتصادی است. (عدالت در اجرای قانون اسکان پشوتانه نظام دامداری عشایری)	- عشایر منتخب - طوایف آل قلی اردبیل - هداوند تهران - حموله خوزستان و چهارمحال و بختیاری - میزان - شدت - دوره زمانی	ضرورت اجرای دقیق و جدی قوانین	۱- پروانه‌ها قدیمی هستند. ۲- اطلاعات پروانه‌ها ثابت است. ۳- صدور غیرعلمی پروانه‌ها ۴- اطلاع‌رسانی مشارکت‌ساز است. ۵- میزان رضایت از عملکرد هیئت ممیزی در تمام مناطق به یک اندازه نیست. ۶- اقتصادی‌نبودن تعداد دام قیدشده در پروانه‌ها ۷- ملاحظات مدیریتی ۸- عشایر نیز در تخریب مراتع مقصرند. ۹- تغییر کاربری تهدید جدی برای مراتع ۱۰- در گذشته حرف‌شنوی از بزرگان مرسوم بود. ۱۱- تغییر تقویم کوچ سنتی، با صدور پروانه‌ها ۱۲- ازمیان‌رفتن میان‌بندها ۱۳- الزام کوچ ماشینی ۱۴- کوچ ماشینی، چرای زودرس مراتع ۱۵- برخورد سلیقه ای با قانون ۱۶- پارادوکس رفتاری دولت در برخورد با عشایر و روستایی. ۱۷- پروانه‌داران بدون دام پر تعدادند. ۱۸- پروانه‌داران بدون دام ۱۹- اجاره‌دهندگان مراتع ۲۰- شرکای شهری مراتع مشاعی ۲۱- دامدار غیرمجاز غریبه ۲۲- دامدار غیرمجاز خودی ۲۳- اجاره دام ۲۴- پویایی دامداران ۲۵- پویایی تعداد، ترکیب و تنوع دامی ۲۶- دولت حافظ بد منابع طبیعی)
۱- کاهش دام مازاد ۲- تولید علوفه مازاد ۳- عشایر تولیدکننده است ۴- نظارت عمومی در مشاعات ۵- تعادل دام و مرتع ۶- توسعه پایدار مراتع		شرایط مداخله‌گر ۱- حضور دولت برای حل اختلافات ۲- بی‌اعتمادی به دولت ۳- فراقکتی مسئولیت تخریب در مشاعات ۴- رقابت در استفاده مشاعی ۵- مشاعی‌بودن مانع اجرای برنامه‌های مدیریتی ۶- جهت‌گیری سیاسی در صدور پروانه چرا ۷- مدیریت بالا به پایینی ۸- مشاعی بودن مانع اجرای برنامه های مدیریتی ۹- سهم‌بری همه وراثت در مشاعات ۱۰- اینجا جایی برای غریبه نیست. ۱۱- اشکالات قانونی ۱۲- سری که درد نمی‌کند، دستمال نمی‌بندند. ۱۳- تعلقات، مانع گزارش تخلفات ۱۴- به گزارش‌ها رسیدگی نمی‌شود. ۱۵- تبتانی دامداران ۱۶- محدودیت‌های مدیریت دولتی ۱۷- مدیریت بهینه پروانه افزایش ۱۸- عرف بر مراتع حاکم است. ۱۹- در مدیریت مراتع آب‌وهوا تعیین‌کننده است. ۲۰- پروانه‌داران دارای دام کم‌تعدادند. ۲۱- پروانه ورثه‌ای اختلاف‌برانگیز است. ۲۲- پروانه برای حق ریشه (مرتعدار) ۲۳- عده‌ای به دنبال امتیاز طرح و پروانه‌اند. ۲۴- پروانه به مثابه سند دامداری ۲۵- شهرت‌شین پروانه‌دار ۲۶- دامدار بدون پروانه ۲۷- عشایر منتظر دولت ۲۸- دولت منتظر عشایر ۲۹- افزایش جمعیت ۳۰- افزایش دام ۳۱- تخریب مرتع ۳۲- تغییر سبک زندگی، نیاز به دام بیشتر ۳۳- تخریب مرتع		

شکل ۴- مدل پارادایمی پدیده مرکزی «ضرورت اجرای دقیق و جدی قوانین»

بعد از نمایش ارتباط مقوله مرکزی با مقوله‌های فرعی در مدل پارادایمی فوق، باید مفهوم‌پردازی‌های مقوله مرکزی تحقیق انجام شود که در اصطلاح به آن «شرح خط اصلی داستان» (Story Line) گفته می‌شود (Straus and Corbin, 1990). در توضیح خط اصلی داستان، درباره هر یک از مقوله‌های فرعی در مدل پارادایمی نهایی و موقعیت آنها به‌عنوان شرایط علی، زمینه، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها به‌طور انتزاعی‌تر و به‌شرح زیر صحبت می‌شود.

شرایط علی مربوط به پدیده مرکزی «ضرورت اجرای دقیق و جدی قوانین»

به نظر می‌رسد، یکسان نبودن میزان رضایت از عملکرد هیئت‌ممیزی مراتع در مناطق مختلف به‌دلیل نبود اطلاع‌رسانی کافی، همچنین، قدیمی‌بودن تاریخ پروانه‌ها و ثابت‌بودن اطلاعات آنها (باوجود تغییرات زیاد در دامداران، تعداد، ترکیب و تنوع دام و پوشش گیاهی)، اثربخشی آن را در مدیریت مراتع تا حدود زیادی زیر سؤال برده است. برخی از دامداران لیست‌شده در پروانه از دنیا رفته‌اند، ولی باوجود تأکیدات قانونی، به‌دلیل اختلاف وراثت یا حاضرنبودن و پراکنده‌بودنشان، هنوز جایگزین (به وکالت از سایر وراثت) معرفی نشده است و اسم متوفی در پروانه‌ها دیده می‌شود. وراثت نیز به استناد همین پروانه‌ها، اغلب دام بیش از ظرفیت به مراتع می‌آورند. ملاحظات مدیریتی هم شامل حال آنان است.

بسیاری از دامداران حاضر نیز دامداران جنب‌پدری هستند. یعنی علاوه‌بر پروانه‌دار، فرزندان وی نیز با دام‌های مستقل به‌طور غیرقانونی در مراتع حضور دارند. چنانچه سایر دامداران غیرمجاز خودی و غریبه پرتعداد را، که با کلید پروانه‌داران بدون دام (که آنها نیز پرتعدادند) و با تبارهای مختلف به اشکال گوناگون اجازه مرتع، دام و ... در مراتع را به روی خود گشوده‌اند،

اضافه کنیم، می‌توان به مازاد بر ظرفیت بودن تعداد دام‌ها در مراتع پی برد. هرچند در بعضی مراتع مثل ییلاقات سبلان، وراث، به‌دلیل کمبود سطح، نوعی سیستم چرای ابداع نموده‌اند که طی آن مرتع ورثه‌ای به نوبت و سالانه توسط یک فرد چرانیده و بقیه، حق عرفی سایر پروانه‌داران بدون دام را اجاره می‌کنند (شکل ۵)، هرچند همچنان نگرانی‌هایی از تشدید میزان چرا از سوی اجاره‌کننده وجود دارد. اجاره به خودی (و نه غریبه) اصلی است که بسیاری از پاسخگویان به آن باور داشتند. عشایر به حضور غریبه در مراتع خود حساسیت خاصی دارند «اینجا جایی برای غریبه نیست». به‌هرحال از بین رفتن میان‌بندها، کوچ ماشینی را ضروری کرده است (شکل ۶) که خود می‌تواند تقویم کوچ قیدشده در پروانه‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و چرای زودرس مراتع را در پی داشته باشد. به اقرار برخی از پاسخگویان، «کوچ ماشینی کار کنترل تعداد دام مازاد را نیز مشکل می‌سازد»، درحالی‌که تصور می‌شود، اگر پروژه مدیریت چرا درست اجرا شود، این موضوع نتیجه عکس دهد. هرچند قانون به ادارات کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان‌ها اجازه داده است که در صورت ضرورت می‌توانند هر ساله قبل از حضور دام، زمان و ظرفیت چرا را تعیین و به‌طور کتبی به صاحبان پروانه اعلام کنند، ولی این تبصره ضمانت اجرایی ندارد، بنابراین، صدور پروانه‌های چرا، تقویم کوچ سنتی را براساس آمادگی مراتع و زیر نظر ریش‌سفیدان و بزرگان عشایر «حرف‌شنوی از بزرگان در گذشته مرسوم بود» زیر سؤال برده است. انتظار می‌رود باوجود تبانی‌های دامداری، در صورت اجرای دقیق و جدی قوانین، تا حدود زیادی امر شناسایی ذی‌حقان (مرتعدار- دامدار) انجام، درنتیجه مدیریت بهتر مراتع براساس پروانه‌ها میسر شود. بنابراین، بجاست اگر با تحقیقات، تغییراتی در چهارچوب تئوری مدیریت مراتع اعمال شود.



شکل ۵- چرای نوبتی دام در بیلاقات سبلان



شکل ۶- حمل ماشینی دام عشایر

پدیده ناشی از شرایط علی

با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان از حدوث پدیده «ضرورت اجرای دقیق و جدی قانون» در مراتع عشایری سخن گفت.

زمینه‌ای که در آن راهبردهای مربوط به پدیده مرکزی «ضرورت اجرای دقیق و جدی قوانین» بسط یافته است.

اتخاذ و توسعه راهبردهای مربوط به پدیده «ضرورت اجرای دقیق و جدی قوانین» به زمینه، بستگی دارد و میزان و شدت این پدیده در بازه‌های زمانی مختلف، در مراتع عشایری طوایف مورد مطالعه، متفاوت است. عشایر شامل طوایف آل‌قلی ایل شاهسون اردبیل، حموله ایل بختیاری خوزستان و چهارمحال و بختیاری و هداوند تهران می‌شوند.

شرایط مداخله‌گر مؤثر بر راهبردها

این شرایط عواملی را دربرمی‌گیرند که بر اتخاذ راهبردها دخیل هستند. در این پژوهش شرایط مداخله‌گری که به کارگیری راهبردها را تسهیل یا محدود می‌کنند، شامل حضور دولت برای حل اختلافات، اینجا جایی برای غریبه نیست.

جهت‌گیری سیاسی در صدور پروانه‌ها، بی‌اعتمادی به دولت، مدیریت بالا به پایینی، اشکالات قانونی، محدودیت‌های مدیریت دولتی، پروانه برای حق ریشه، به گزارش‌ها رسیدگی نمی‌شود. عشایر منتظر دولت و دولت منتظر عشایر، کمبود آب مشکل اجرای برنامه‌های توسعه‌ای، نادیده گرفتن تأثیر آب‌وهوا در مدیریت مراتع، پروانه و طرح به مثابه سند دامداری، شهرنشین پروانه‌دار و دامدار بدون پروانه، عده‌ای به دنبال امتیاز پروانه و طرح هستند، فراقنی مسئولیت تخریب در مشاعات، رقابت در استفاده مشاعی، مشاعی بودن مانع اجرای برنامه‌های

مدیریتی، سهم‌بری همه وراث در مشاعات، پروانه ورثه‌ای اختلاف‌برانگیز است، پروانه‌داران دارای دام، کم‌تعدادند، سری که درد نمی‌کند، دستمال نمی‌بندند، تعلقات مانع گزارش تخلقات، افزایش جمعیت، افزایش دام و تخریب مرتع، تغییر سبک زندگی نیاز به دام بیشتر و تخریب مراتع، عرف بر مراتع حاکم است، تباری دامداران و مدیریت بهینه مراتع افرازی می‌شود.

راهبردهای مربوط به پدیده «ضرورت اجرای دقیق و جدی قوانین»

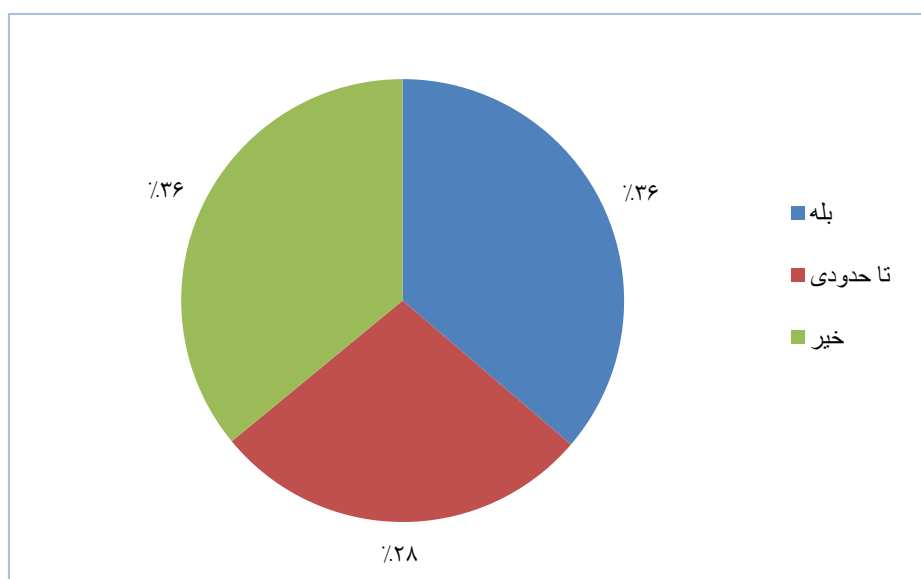
بدون تردید، با وقوع هر پدیده‌ای در جامعه، راهبردها و تدابیری برای اداره، مدیریت و پاسخ به آن پدیده به کار گرفته می‌شود. به عبارتی، راهبردها، مکانیسم‌هایی هستند که در برخورد با پدیده استفاده می‌شوند (فرضی‌زاده، ۱۳۹۰). بخشی از راهبردهای ارائه‌شده از سوی پاسخگویان به دولت مربوط می‌شود از جمله آنها می‌توان به مقولاتی از قبیل، در صورت وجود اراده دولت تواناست، پروانه برای دام، عدالت در اجرای قوانین، رعایت تقویم کوچ به حمایت دولت نیاز دارد، حمایت تسهیلاتی و نهادی دولت، تجدید ممیزی، تخصیص پروانه چرا برای دامداران خرده‌پا، امکان خرید و فروش پروانه، ارتباط کشاورزی با دامداری، مراتع مشاعی کوچ هماهنگ می‌طلبند، اطلاع‌رسانی مشارکت‌ساز است. دامداری باید اقتصادی شود، مراتع قابلیت احیا دارند، تأثیر مثبت ایجاد اشتغال خارج از مراتع، دامداری صنعتی و اسکان در خروج جمعیت سرریز مراتع اشاره نمود. آنان (عشایر) آمادگی خود را برای کمک به دولت در حفاظت از مراتع در قالب تعاونی، قرق‌بانان عرصه‌ها یا مجریان طرح‌ها، مدیریت شورایی، هیئت‌امنایی، انتخاب مدیر مرتع معتمد، پروانه‌داران کنترل‌کنندگان دامداران بدون پروانه، دامداری فصلی اعلام نمودند به شرطی که این همکاری‌ها قانونی و تعریف‌شده باشند. به عبارتی در این پیشنهاد راهبردی «عشایر به عنوان حافظ» و «دولت حامی» لحاظ شده‌اند.

پیامدهای به‌کارگیری راهبردها

به‌کارگیری راهبردهای مدیریتی پدیده مذکور (اعمال قانون) می‌تواند پیامدهایی مثل نظارت عمومی در کاهش دام‌مازاد و تولید علوفه مازاد، افزایش تولیدات دامی، در نتیجه تعادل دام و مرتع و توسعه پایدار مراتع را در پی داشته باشد. تأیید کمی یافته‌های بخش کیفی، به کمک ابزار پرسشنامه انجام شد. نتایج این بخش نیز به شرح زیر بیان می‌شود:

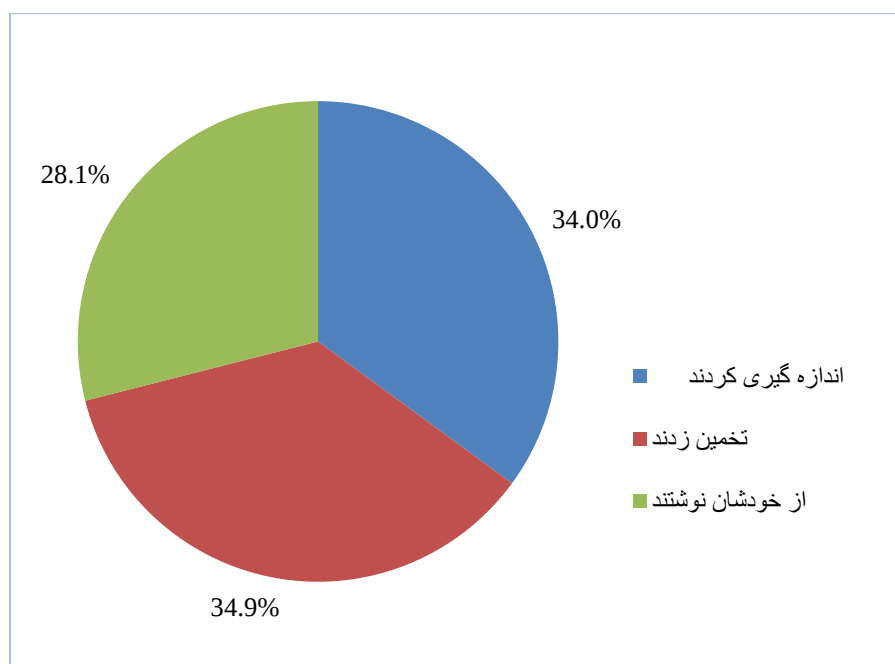
نتایج ارزیابی کمی

۳۶ درصد از عشایر مناطق مورد مطالعه از پروانه‌های چرای دام راضی، ۲۸ درصد تا حدودی راضی و ۳۶ درصد ناراضی بودند (شکل ۷).



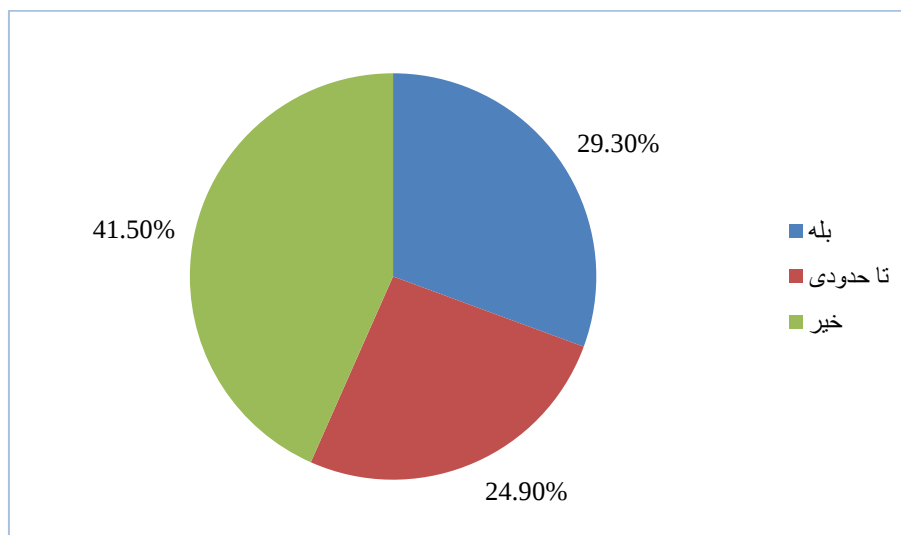
شکل ۷- رضایت از پروانه‌های چرا

تاریخ بیشتر پروانه‌ها قدیمی بود. براساس نظر اکثریت پاسخگویان، برعکس طوایف هداوند و حموله، طایفه آل‌قلی تعداد دام قیدشده در پروانه را رعایت نمی‌کنند. طایفه هداوند، ترکیب دام نوشته‌شده در پروانه‌ها را رعایت می‌کند، ولی دو طایفه دیگر آن را رعایت نمی‌کنند. ۳۴ درصد آنان اذعان داشتند، اندازه‌گیری پوشش گیاهی توسط هیئت‌ممیزی در زمان اعمال قانون و صدور پروانه انجام شده است که نشانگر برآوردنشدن دقیق پوشش برای تعیین ظرفیت مرتع است (شکل ۸).



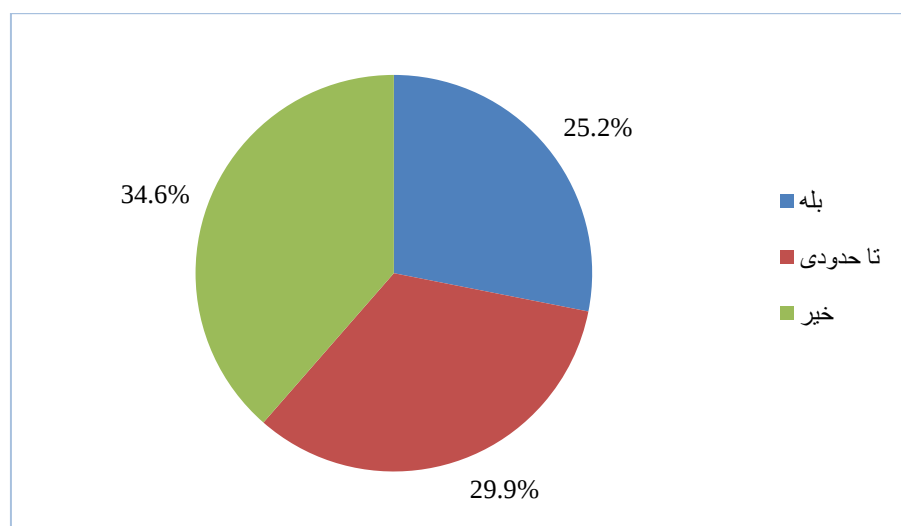
شکل ۸- ارزیابی پوشش گیاهی قیدشده در پروانه‌های چرا توسط اعضای هیئت‌ممیزی

جمع‌بندی نقطه‌نظرات عشایر استان‌های مورد مطالعه نشان داد، در صدور پروانه یا تهیه طرح به عرف موجود در بین عشایر توجه نشده است (شکل ۹).



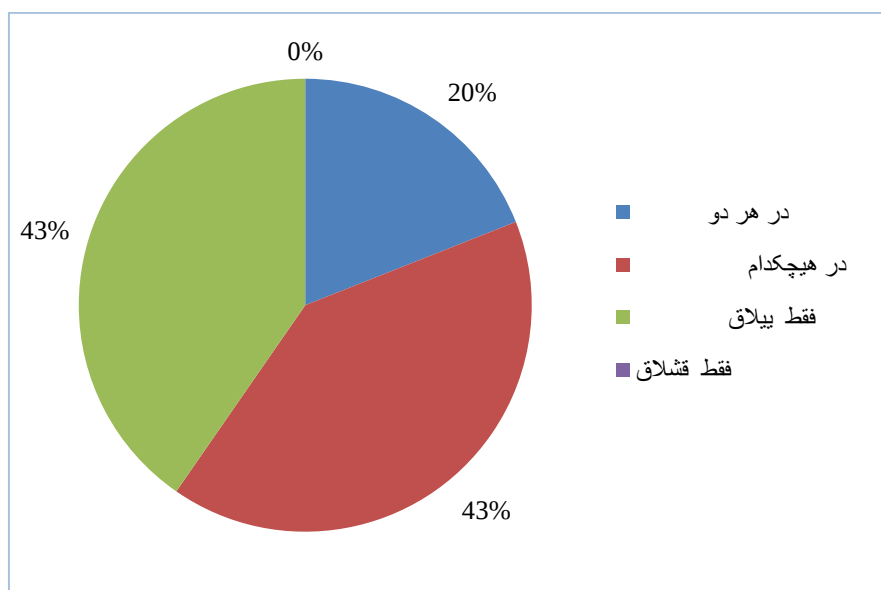
شکل ۹- توجه به عرف در صدور پروانه یا تهیه طرح مرتع‌داری
از دیدگاه عشایر مناطق مورد مطالعه

همچنین، عشایر مناطق مورد مطالعه از عملکرد هیئت‌ممیزی مراتع در این مناطق ناراضی بودند (شکل ۱۰).



شکل ۱۰- رضایت از عملکرد هیئت‌ممیزی مرتع در مناطق مورد مطالعه

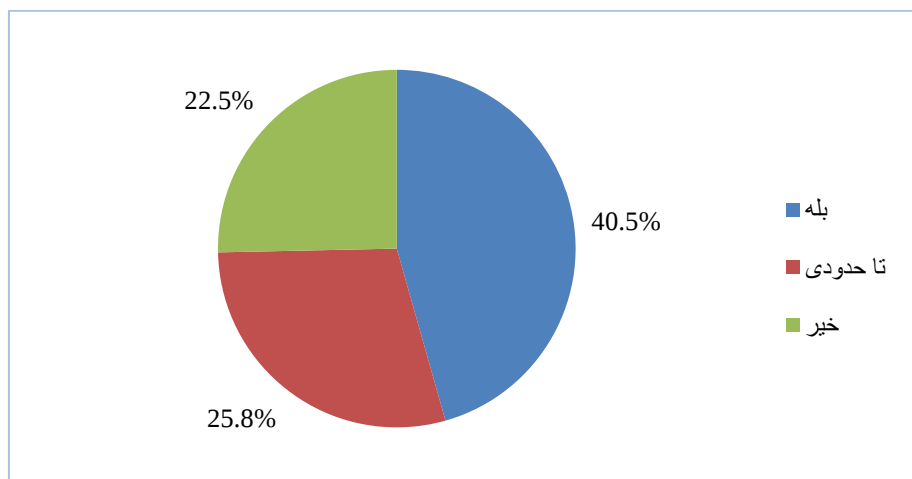
میزان حضور مأموران منابع طبیعی فقط در قطب ییلاق، ۴۳ درصد، در هیچکدام از قطب‌ها، ۴۳ درصد و در هر دو قطب (ییلاق و قشلاق)، فقط ۲۰ درصد برآورد شد (شکل ۱۱).



شکل ۱۱- حضور مأموران منابع طبیعی در کنترل پروانه‌ها و مدیریت چرای ییلاق و قشلاق

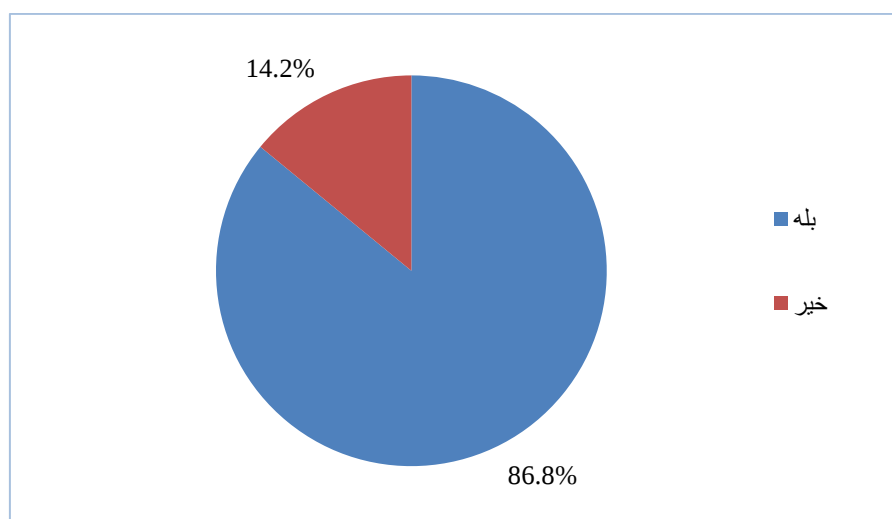
به اعتقاد اکثریت پاسخگویان در هر سه طایفه، اجرای دقیق و جدی قوانین می‌تواند در بهبود وضعیت مراتع مؤثر باشد.

به‌طوری‌که ۷۰/۳ درصد از پاسخ‌ها درمورد گویه «آیا اجرای دقیق و جدی قوانین در بهبود وضعیت مراتع مؤثر است؟»، بله و تا حدودی بود و فقط ۲۲/۵ درصد از پاسخگویان به آن اعتقاد نداشتند (شکل ۱۲).

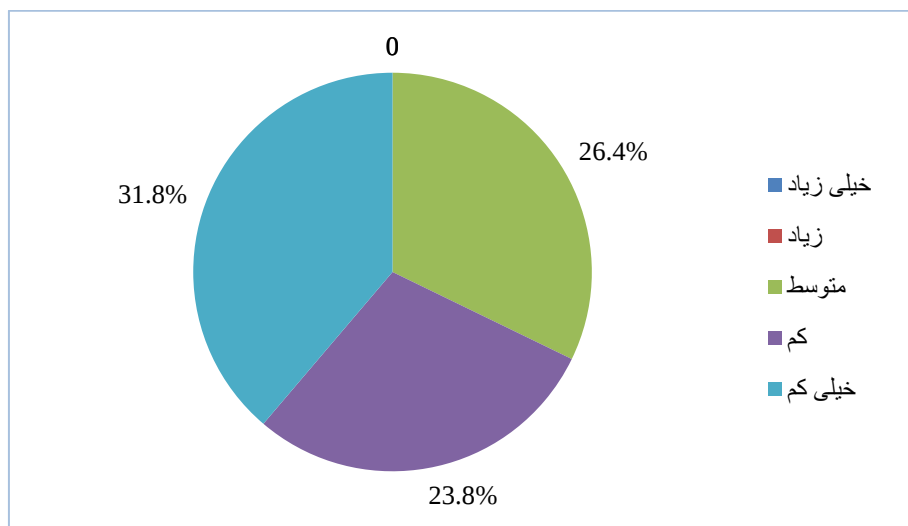


شکل ۱۲- تأثیر اجرای دقیق و جدی قوانین در بهبود وضعیت مراتع

درنهایت، به‌جز طایفه حموله، دو طایفه دیگر آمادگی خود را برای گماردن قرق‌بانان محلی اعلام کردند (در کل ۸۶/۸ درصد) (شکل ۱۳). نتیجه ارزشیابی‌ها، میزان موفقیت دولت را در مدیریت مراتع «کم» نشان داد (شکل ۱۴).

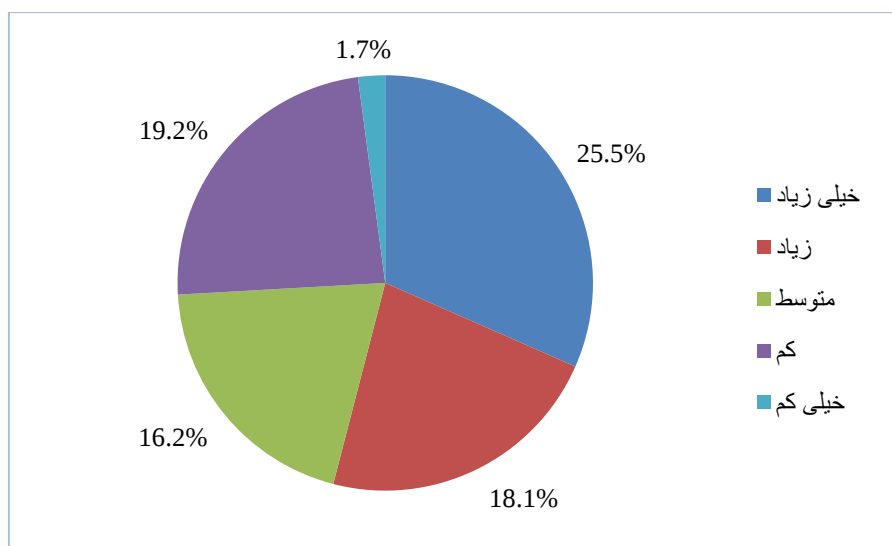


شکل ۱۳- اعلام آمادگی عشایر مناطق مورد مطالعه برای گماردن قرق‌بان



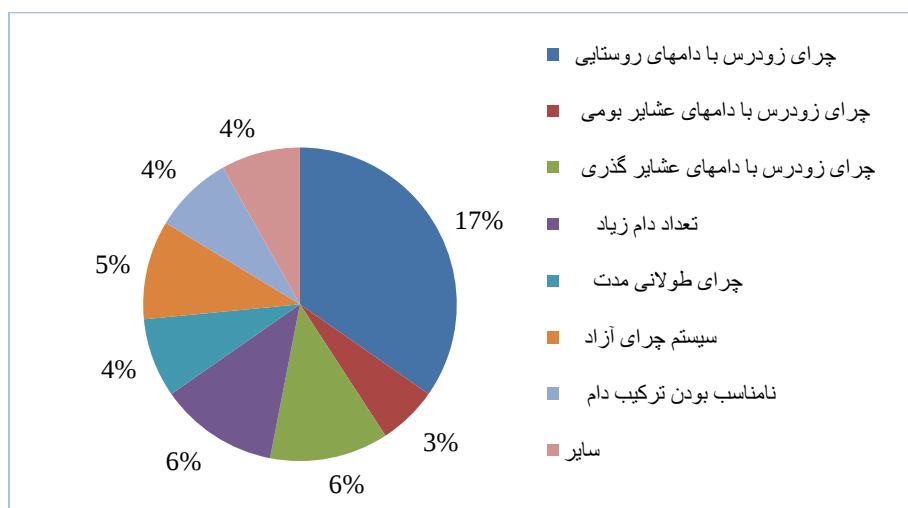
شکل ۱۴- میزان موفقیت دولت در مدیریت مراتع

عشایر طوایف مختلف در اعتقاد به توانایی خود در مدیریت مراتع بدون کمک دولت اختلاف نظر داشتند (شکل ۱۵).



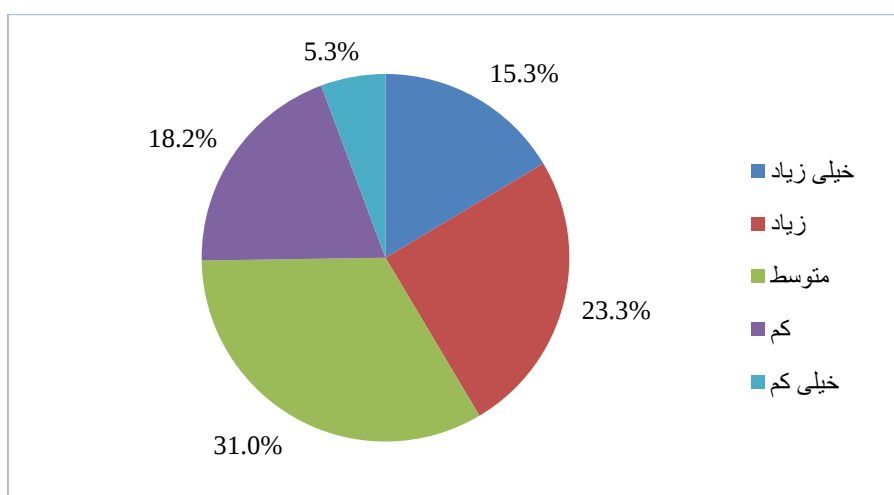
شکل ۱۵- میزان توانایی عشایر مناطق مورد مطالعه در مدیریت مراتع بدون کمک دولت

چرای زودرس با دام‌های روستایی و دام‌های مازاد بر ظرفیت، از مهم‌ترین مشکلات مراتع ییلاقی عشایر یادشده عنوان شدند (شکل ۱۶).



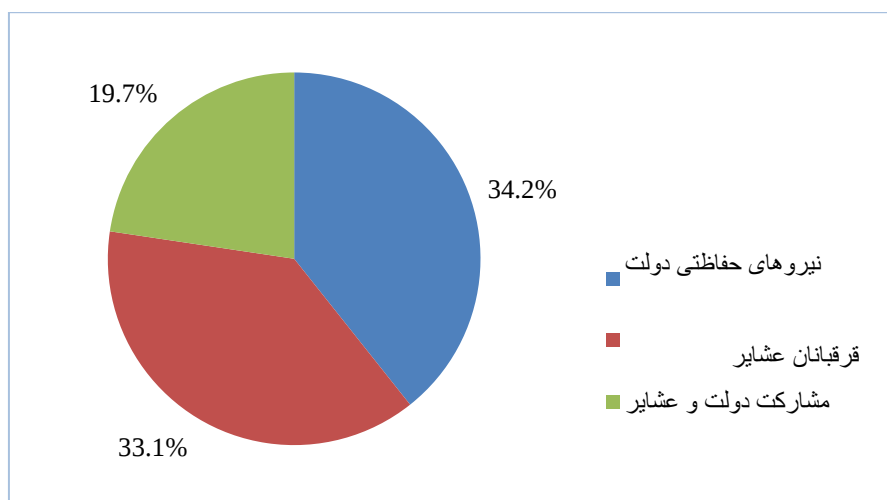
شکل ۱۶- مهم‌ترین مشکل مراتع ییلاقی عشایر مناطق مورد مطالعه

در مناطق مورد مطالعه به مرور زمان، بر تعداد دام‌ها افزوده شده است (شکل ۱۷).

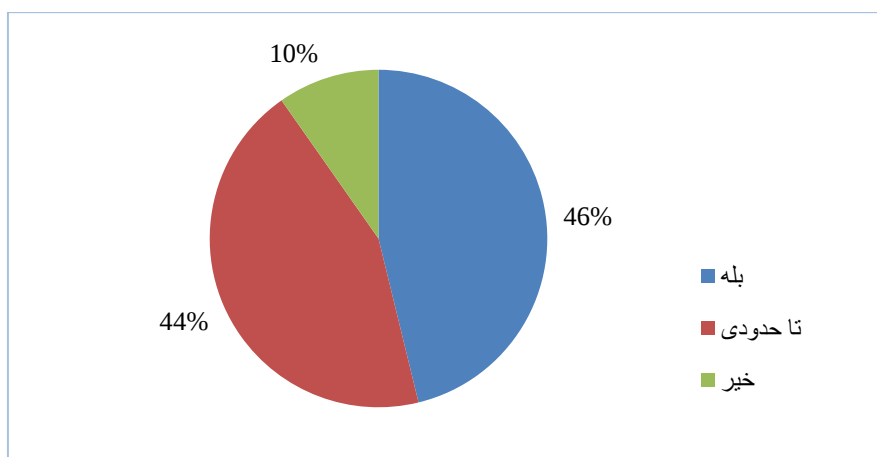


شکل ۱۷- تغییرات تعداد دام مناطق مورد مطالعه نسبت به گذشته از دیدگاه عشایر

بهترین راهکار جلوگیری از چرای زودرس مراتع عشایری توسط دام‌های روستایی، به‌کارگیری قرق‌بانان خودی در کنار حضور نیروهای حفاظتی دولت بود (شکل ۱۸). آنان تا حدودی با قوانین ممیزی مرتع آشنا بودند (شکل ۱۹).



شکل ۱۸- راهکار جلوگیری از چرای زودرس مراتع عشایری توسط دام‌های روستایی از دیدگاه عشایر مناطق مورد مطالعه



شکل ۱۹- میزان آشنایی عشایر مناطق مورد مطالعه با قوانین ممیزی مرتع

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از رویکردهای کمی و کیفی مطالعه نشان می‌دهند، متن پروانه‌های چرا با واقعیت عرصه‌ها همخوانی کاملی ندارد، همچنین، راهبرد اجرای دقیق و جدی قوانین به شرط وجود امکانات، قادر است تا حدود زیادی مشکل دام‌مازاد و غیرمجاز مراتع را حل کند. درغیراین‌صورت پیشنهاد بر کمک گرفتن و حمایت از خود‌ذی‌حقان مراتع در کنترل دامداران مازاد غیرخودی (برون‌گروهی) و نظارت بر کنترل ورود دام غیرمجاز خودی (درون‌گروهی) از طریق دولت است.

مقولات پیشنهادی (توصیه‌های فنی)

- ✓ اجرای جدی قوانین موجود
- ✓ بازنگری قوانین پروانه چرا
- ✓ مدیریت مشارکتی مراتع (عشایر حافظ، دولت حامی)
- ✓ مدیریت چرا، راهکار بهبود وضعیت مراتع
- ✓ امکان‌سنجی مدیریت تشکل‌ها در مناطق مختلف (هیئت‌امنایی، مدیریت تعاونی، قرق‌بان یا مجری طرح، مدیریت شورایی، انتخاب مدیر مرتع معتمد و ...)
- ✓ تجدید ممیزی
- ✓ زمینه‌سازی کوچ هماهنگ در مراتع مشاعی
- ✓ حمایت تسهیلاتی و نهادی دولت
- ✓ احیای مراتع
- ✓ اشتغال خارج از مراتع برای دامداران مازاد
- ✓ دامداری فصلی راهی برای کاهش فشار بر قشلاق و ...

منابع

- ادیب حاج باقری، محسن (۱۳۸۵) روش‌های تحقیق کیفی، تهران: بشری. صفحه ۱۸۶
- ازکیا، مصطفی و ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۰) روش‌های کاربردی تحقیق، کاربرد نظریه بنیانی. جلد دوم. شرکت انتشارات کیهان. ۷۰-۱۰۵.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۹۵) جزوه درسی روش تحقیق کیفی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. ۷۰ صفحه.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۴) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی. تهران: انتشارات اطلاعات. ۳۲۲ صفحه.
- استراوس، آنسلم و کرین، جولیت (۱۳۹۰) مبانی پژوهش کیفی، ترجمه ابراهیم افشار، تهران نشر نی. ۳۳۴ صفحه.
- استراوس، آنسلم و کرین جولیت (۱۳۹۰) اصول روش تحقیق کیفی، نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۲۷۸ صفحه.
- بی‌نام، ۱۳۹۷. سیمای عشایر. نتایج سومین سرشماری اجتماعی- اقتصادی عشایر کوچنده سایت سازمان امور عشایری ایران. <https://ashayer.ir>
- دفتر امور مراتع (۱۳۹۹) اصلاحیه شیوه‌نامه فنی و اجرایی ضوابط و شرایط بهره‌برداری از مراتع کشور. سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور. ۳۸ صفحه.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی. واحد علوم و تحقیقات. ۳۷۲ صفحه.
- فرضی‌زاده میاندھی (۱۳۹۰). بررسی دلایل کاهش فعالیت زنان روستایی در بخش کشاورزی (مطالعه موردی: روستای میاندی از توابع شهرستان صومعه‌سرا- استان گیلان). پایان‌نامه دکتری در رشته توسعه روستایی (گرایش توسعه اجتماعی) دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- سایت مدیریت امور عشایری استان تهران. <http://www.ashayertehran.ir>
- سازمان امور عشایر ایران، ۱۴۰۰. نتایج ثبت پایه عشایر کوچنده کشور- ۱۴۰۰ (در سطح شهرستان). ۷۲ صفحه.

محبی، علی؛ فیاض، محمد؛ خادمی، محمد و سیداخلاقی، سیدجعفر (۱۳۹۶) بررسی وضعیت مدیریت کوچ و مرتع و امکان‌سنجی واگذاری آن به تشکلهای عشایری (مطالعه موردی استان‌های اردبیل، تهران، خوزستان و چهارمحال و بختیاری). گزارش نهایی پروژه، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور. ۴۵۰ صفحه.

محبی، علی و شیرمردی، حمزه‌علی (۱۳۹۷) بررسی وضعیت مدیریت کوچ و مرتع و امکان‌سنجی واگذاری آن به تشکلهای عشایری (استان چهارمحال و بختیاری). گزارش نهایی، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور. ۹۶ صفحه.

محبی، علی؛ شریفی، محمد؛ فراهانی، ابراهیم (۱۳۹۷) بررسی وضعیت مدیریت کوچ و مرتع و امکان‌سنجی واگذاری آن به تشکلهای عشایری (استان تهران). گزارش نهایی، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور. ۱۲۰ صفحه.

محبی، علی و نوری، الهوردی (۱۳۹۷) بررسی وضعیت مدیریت کوچ و مرتع و امکان‌سنجی واگذاری آن به تشکلهای عشایری (استان اردبیل). گزارش نهایی، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور. ۶۸ صفحه.

محبی، علی؛ حسن‌زاده، محمد (۱۳۹۰) بررسی وضعیت مدیریت کوچ و مرتع و امکان‌سنجی واگذاری آن به تشکلهای عشایری (استان خوزستان). گزارش نهایی، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور. ۸۰ صفحه.

- معرفی پارک ملی لار در سایت <https://www.irandeserts.com>
- Allen, G.(2003). A critique of using grounded theory as a research method, Department of Information Systems and Computer Application, Portsmouth University, UK, Electronic Journal of Business Research Methods, Volume 2, Issue 1: 1-10.
- Coyne, I. and Cowley, S. (2006). Using grounded theory to research parent participation.
- Glaser, B. and Straus, A. L. (1967) The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research, Chicago: Aldine.
- Mills, J. Bonner, A. and Francis, K. (2006). The development of constructivist grounded theory. International Journal of Qualitative Methods, Volume 5, Issue (1): 1-10.
- Scott, K.W. (2004). Relating categories in grounded theory analysis: Using a conditional relationship guide and reflective coding matrix. The Quantitative Report. Volume 9, Issue (1): 113-126.
- Straus, A. L. and Corbin J. (1990). Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory. Second Edition. London. Sage.